

## دو جنبش، دو آلترناتیو، دو آینده

### کشمکش بر سر قدرت سیاسی

رحمان حسین زاده

صفحه ۳

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### درباره سفر ابراهیم رئیسی به کردستان

### قاتل جوانان مردم در کردستان چکار می کند؟

صفحه ۵

### در باره ممنوعیت سقط جنین در آمریکا

### چند نکته مقدماتی برای بحثی گسترده تر

سیاوش دانشور

صفحه ۶

### بازهم فاجعه انسانی جان پناهجویان را گرفت

سعید آرمان

صفحه ۸

## توافق پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو در قبال تحویل اپوزیسیون در تبعید!

امیر عسگری

صفحه ۹

### گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

صفحه ۱۱

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کهر

صفحه ۱۹

۶۵۴

# همبستگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۱ ژوئیه ۲۰۲۲ - ۱۰ تیر ۱۴۰۱

## اعلامیه حزب حکمتیست در باره

### کرنش دولتهای سوئد و

### فنلاند و ناتو در مقابل دولت

### فاشیسم اسلامی اردوغان

بحران و جنگ در اکرین، بهانه ای برای دولتهای سوئد و فنلاند شد تا عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی ناتو را رسمیت ببخشند. هر چند بعد از فروپاشی بلوک شرق سوئد و فنلاند دو فاکتو عضو ناتو و پشت جبهه دخالتهای نظامی ویرانگر و جنایتکارانه ناتو در ۳۰ سال اخیر بوده اند.

اردوغان رئیس جمهور دولت تروریستی ترکیه موافقت خود را مشروط بر آن کرده بود که دولتهای سوئد و فنلاند همبستگی کامل خود را در "مبارزه بر علیه تروریسم" به حکومت اردوغان نشان دهند. دولت سوئد یا فنلاند هیچ وقت رسماً نه از "حزب کارگران کردستان ترکیه" و نه از "جنبش فتح الله گولن" و دیگر سازمانهای چپ دفاع کرده اند! آنچه دولت ترکیه دنبال آن است ممنوعیت فعالیت و ناامن کردن زندگی جان بدر بردگان از کشتار و شکنجه فاشیسم حاکم بر ترکیه است که به عنوان پناهنده نه تنها در سوئد و فنلاند بلکه در تمام کشورهای اتحادیه اروپا ساکن و به کار و زندگی و فعالیت سیاسی ادامه داده اند!

دولت ترکیه به رهبری

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ترکیه و جمهوری اسلامی را بشدت محکوم می کند . چنین دسیسه و بند و بستهایی از طرف همه احزاب و سازمانهای آزادیخواه باید افشا و محکوم گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست  
1 ژوئیه 2022

## اعلامیه حزب حکمتیست در باره

### کرنش دولتهای سوئد و فنلاند و ناتو در

### مقابل دولت فاشیسم اسلامی اردوغان

تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۲/۲  
ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

اردوغان با بحران اقتصادی بی سابقه ای روبرو است. تورم بالای ۷۰ درصد است. بیکاری بیداد میکند. فعالین سیاسی تحت تعقیب و شکنجه و زندانی میشوند. حزب اسلامی حاکم در ترکیه چشم به انتخابات سال آینده دوخته است و حنای اسلامیزه کردن جامعه ترکیه رنگ باخته است. آنچه ممکن است باعث بسیج نیرو شود کوبیدن بر طبل فاشیسم و ناسیونالیسم ترک است.

برخلاف پروپاگاندا اردوغان، ناتو مظهر و تجسم تروریسم دولتی آمریکا و متحدانش است که مورد نفرت بشریت مترقی است. دولتهای سوئد و فنلاند با کرنش در مقابل اردوغان از این بیعدولنی و رسماً شریک جرم و جنایت تروریسم دولت ترکیه و ناتو خواهند بود! ادعای کذابی تقابل با تروریسم آنها به شدت ریاکارانه و پوچ است.

از نظر ما همین که حکومت جنایتکاری مثل حکومت اردوغان در سازمانی همچون ناتو حق و تودارد حقیقت آن سازمان را در مقابل جهانیان آشکار میکند. کشورهای سوئد و فنلاند که عضویت در ناتو در آخرین اجلاس در مادرید رسمیت پیدا کرد مانند آلمان، انگلیس، فرانسه و... با امضاء کنوانسیون ژنو هم موظف شده اند که اپوزیسیون تحت تعقیب حکومتهای دیکتاتوری را حمایت کرده و آنان را بعنوان پناهنده سیاسی برسمیت بشناسند.

روشن است اردوغان از یک طرف خواهان تمکین هرچه بیشتر کشورهای غربی در مقابل جنایات حکومت ترکیه علیه اپوزیسیون ترکیه و سوریه است و از طرف دیگر امیدوار است که کشورهای عضو ناتو، اپوزیسیون او را همچون جولین آسانژ ممنوع فعالیت، دستگیر و حتی به دولت ترکیه تحویل دهند. نتیجه این توافق و کرنش سوئد و فنلاند و ناتو ارائه لیست ۷۳ نفره ای از اپوزیسیون ترکیه به این دو کشور است.

تقاضای استرداد، و جلوگیری از فعالیت مخالفین سیاسی از طرف اردوغان در ناتو، تنها "فرمان سرکوب" دیگر یک دیکتاتور و حکومت فاشیستی برای مخالفین اش نیست! این اولاً اجبار در همدستی در عملیات جنایتکارانه حکومتی مثل اردوغان است و دوماً اینکه حتی اپوزیسیون فراری خارج از مرزهای سیاسی حکومتی همانند اردوغان، هیچگاه احساس امنیت نکرده و حتی با موافقت طرفین به کشور "دوست" بازگردانده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست ضمن پافشاری بر حق آزادی بیان و مبارزه سیاسی هرانسانی علیه حکومتهای دیکتاتوری و فاشیستی برای اهداف سیاسی خود، هرگونه معامله بر سر زندگی اپوزیسیون حکومتهای فاشیستی همچون

آثارمنصور حکمت را بخوانید  
و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>  
[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## دو جنبش، دو آلترناتیو، دو آینده

### کشمکش بر سر قدرت سیاسی

رحمان حسین زاده



دستاوردهای طبقاتی و سنتهای با ارزش اعمال اراده مستقیم کارگری را پشت سر گذاشت. در همان دوره این درس بزرگ تجربه شد که لازمه رهایی قطعی جامعه قد علم کردن طبقه کارگر در قامت رهبری تحولات جامعه است. در راستای تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع طبقه کارگر و کمونیسم و

آزادخواهی، یکبار دیگر این درس بديهی برجسته شد که حزب کمونیستی رهبر و سازمانده در رأس طبقه کارگر لازم است.

در قدم بعدی در دوره سرکوب خشن سال ۶۰ و تا کنون طبقه کارگر و پیشروان آن با ایستادگی و مبارزه جویی موجودیت طبقاتی و جنبشی و مبارزاتی خود در مقابل یکی از هارترین رژیمهای بورژوایی دوران معاصر را تثبیت کردند. سپس دوران سخت جنگ ایران و عراق و پیامدهای آن نتوانست طبقه کارگر را به تمکین بکشانند. از مبارزه علیه لایحه های مختلف قانون کار سراپا ضد کارگری درسهای گرانبهایی آموخته شد. عرصه گرامیداشت اول مه و احیای این سنت جهانی کارگری به عرصه پرشور سازماندهی، اتحاد و همبستگی و اعلام کیفرخواست کارگری علیه کاپیتالیسم تبدیل شد. جنبش کارگری و گرایش کمونیستی آن پختگی خود را از دل چنین جدال همه جانبه ای کسب کرده است. اکنون با جنبش کارگری و کمونیستی پرتجربه، صاحب فعالین ورهبران خود آگاه و حاضر در صحنه، دارای مطالبات اقتصادی و سیاسی روشن روبرو هستیم.

اعتصابات و اعتراضات کارگری پنج ساله اخیر هنوز نوک کوه یخی است که با تغییر جدی تر تناسب قوا شاهد جهش بزرگی خواهیم بود و نقش تعیین کننده ایفا خواهد کرد. به این تصویر حضور مبارزاتی جنبشهای رادیکال اجتماعی فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان، و آزادی زن و پرستاران و رانندگان به عنوان جنبشهای اردوی کار و همگام نزدیک جنبش کارگری باید اضافه کرد. حقیقت مثبت تر دیگر این مسئله مهم است، که از مقطع انقلاب ۵۷ به بعد کمونیسم رادیکال و کارگری بر سیر تحولات جدالهای طبقاتی و فعل و انفعالات جنبش طبقه کارگر ایران تاثیر گذاشته و از آن تاثیر گرفته است.

کمونیسم کارگری شاخص ترین ترند روشن بین مدعی قدرت جنبش طبقه کارگر است. باید تاکید کنم، اینجا منظورم از جنبش کمونیسم کارگری، بسیار فراتر از چهار چوب حزب ما و یا دیگر احزاب و سازمانهایی است که خود را به عنوان کمونیسم کارگری معرفی میکنند و یا به این عنوان موسوم شده اند. جنبش اعتراض ضد کاپیتالیستی خود آگاه به منافع آتی و آتی خود و آشنا به تمایز طبقاتی اش با جنبشهای بورژوایی نیروی عظیم جنبش کمونیسم کارگری را تشکیل میدهد. دامنه تاثیرگذاری جنبش کمونیسم کارگری به عنوان یک پدیده ابژکتیو با کارکرد سیاسی و عملی در جنبش کارگری، در مبارزات توده ای و دانشجویی

در مطلب قبلی نوشتیم، جدال بر سر قدرت سیاسی صورت مسئله محوری برای طرفین درگیر در کشمکش طبقاتی و سیاسی حاد جامعه ایران است. این کشمکش سه ضلع دارد. از یک طرف جمهوری اسلامی ای در تنگنا قرار گرفته، با چنگ و دندان برای حفظ بقاء و قدرت سیاه حاکمیت اش در تقلا است. اما این رژیم با همه پیچیدگیها و جان سختی اش رفتنی است، این را حضور فعال جنبش سرنگونی گسترده و استمرار یافته، اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، جنبش فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان و دیگر بخشهای معترض جامعه رقم زده اند. فشار جنبش سرنگونی مردم بپاخسته از اعماق جامعه جنبش ها و ترندها و جریانات بورژوایی تا چندی قبل آویزان به بازیهای جناحی جمهوری اسلامی و معامله گر با جناحها را به قناعت "براندازی و اذعان به رفتنی بودن" جمهوری اسلامی رسانده است. در نتیجه در صحنه سیاسی تقابل با جمهوری اسلامی جنبش ها و جریانات سیاسی متفاوت و متقابل با هم حضور دارند. باید تاکید کرد دینامیسم پایه ای کشمکشها در فضای سیاسی ایران، نه سیر احتمالات و "اگرها" بلکه روند پایه ای در حال جریان جدال جنبشها و ترندهای ریشه دار اجتماعی چپ یا راست جامعه است. بر این بستر دو جنبش و دو ترند اصلی متمایز، در رأس دو قطب چپ و راست جدالهای سیاسی و اجتماعی و در مسیر تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی و رقم زدن آینده بعد از جمهوری اسلامی قرار دارند. این دو جنبش عبارتند از ۱- جنبش کمونیستی کارگری ۲- جنبش ناسیونالیسم بورژوایی پرو غرب.

در مورد موقعیت این دو جنبش توضیحاتی لازم است.

۱- جنبش کمونیستی کارگری: این جنبشی ریشه دار در تاریخ صد ساله ایران و برخاسته از بطن طبقه کارگر وسیع یک کشور بزرگ کاپیتالیستی است. هر ناظر منصف می بیند جنبش کارگری و کمونیستی ایران از مطرحترین و سرزنده ترین و پیشروترین جنبشهای سیاسی، اجتماعی حاضر در صحنه جدال سیاسی و طبقاتی جامعه ایران است. این واقعیت را نه تنها هزاران اعتصابات و اعتراضات کارگری پنج ساله اخیر و جاری کردن خواسته ها و توقعات بالا و متکی شدن به اعمال اراده مستقیم کارگری و ابتکارات و سازماندهی های توده ای و از جمله مجامع عمومی و ارائه خط مشی "اداره شورایی" یادآور میشود، بلکه تجارب غنی به دست آمده از دل تند پیچ های مهم در بیش از چهاردهه اخیر عمر جمهوری اسلامی و ایستادگی و مبارزات طبقه ما تاکید میکنند. از مقطع وقوع انقلاب ۵۷ تا قبل از شروع سرکوبهای وسیع و گسترده خرداد سال ۶۰، جنبش کارگری دوره بسیار مهمی از پیشروی و تحرک و مبارزه همه جانبه و متکی شدن به تشکلهای توده ای و شوراها را تجربه کرد.

## دو جنبش، دو آلترناتیو، دو آینده

### کشمکش بر سر قدرت سیاسی

رحمان حسین زاده

دفاع از بازار آزاد و ضدیت با کمونیسم است. مقوله سلطنت کاملاً فرعی است. ایده احیای سلطنت با توجه به سیر اوضاع در ایران و بیزاری ریشه دار و عمیق توده مردم ایران از پدیده سلطنت بسرعت در این جنبش منزوی خواهد شد و اشکال سیاسی "قابل فروش" تری به جلوی صحنه خواهد آمد. "به نقل از نوشته مقاله "سه جنبش و سه آینده" منصور حکمت .

بسیست و دوسال بعد از نوشته منصور حکمت، اکنون جست و خیز نسخه "قابل فروش" تر ناسیونالیسم بورژوایی پروغرب ایران در همگرایی قابل مشاهده "جمهوریخواهان و مشروطه خواهان" پروغربی و حتی فدرالیستهای پروغربی با این ترند ضد کارگری را می بینیم. مانورهای سیاسی رضا پهلوی بین "جمهوریخواهی و سلطنت خواهی" از همین جنس است.

آنچه کارگران کمونیست و هر فعال آزادیخواه و کمونیست جنبشهای اجتماعی رادیکال و نیروهای چپ و کمونیست نباید دست کم بگیریم، تقلای این جنبش راست پروغربی برای گرفتن قدرت سیاسی است .

در نتیجه محتملترین روند قابل پیش بینی در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی و فردای بعد از آن کشمکش تعیین کننده بر سر قدرت سیاسی بین جنبش کمونیستی کارگری و جنبش راست بورژوایی پروغرب است.

اینکه هرکدام از این دو جنبش متمایز و متفاوت دارای چه ظرفیتهای و یا محدودیتهایی هستند، و اینکه هر کدام برای گرفتن قدرت سیاسی به چه امکاناتی متکی اند، با چه موانعی روبرویند و چه ملزوماتی را باید فراهم کنند و شانس کدام آلترناتیو بیشتر است را در بخش بعدی بررسی میکنیم .

\*\*\*

اول ژوئیه ۲۰۲۲

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای راهمه

جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان  
حاکمیت!

و در عرصه های دیگر مبارزه قابل مشاهده است. این واقعیت در شرایط اعتبار کمونیسم و رادیکالیسم و چپ گرایی در فضای سیاسی ایران و حضور پر تپش جنبش کارگری، شرایط مساعدی را برای عروج رهبری کمونیستی و کارگری مهیا کرده است.

این زمینه ها و شرایط مساعد بسیار ضروری است، اما برای عروج و تثبیت رهبری رادیکال در رأس تحولات انقلابی و جنبش سرنگونی هنوز کافی نیست. تامین رهبری ملزومات و ابتکارات جدی و فایق آمدن بر محدودیتهای پیش رو را میطلبد. در بخش بعدی به آن میپردازم .

۲- ناسیونالیسم بورژوایی پروغرب :

در باره این ترند و جنبش بورژوایی مستقیماً به بخشی از نوشته مورد توافق از منصور حکمت استناد میکنم، که به موجزترین شیوه موقعیت این جریان را تبیین کرده است .

"ناسیونالیسم طرفدار غرب ایران قدیمی ترین و ریشه دارترین سنت و جنبش سیاسی در ایران امروز است، ارتجاعی است، اما کهنه نیست. چون کاپیتالیسم و غرب امروز کاپیتالیسم و غرب صد سال قبل نیست. این جنبش بورژوازی ایران است برای شرکت تمام و کمال در سرمایه داری جهانی و دگرگون شده امروز. این جنبشی است که هژمونی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی غرب را نه فقط میپذیرد، بلکه هویت خود میداند. خود را نماینده این قطب جهانی در ایران اعلام میکند.

از نظر اقتصادی این یک جریان عمیقاً محافظه کار و مدافع بازار آزاد است. از نظر سیاسی کوچکترین توهمی به ایجاد یک سازش طبقاتی بر مبنای تعدیل ثروت در جامعه ندارد و شدیداً آنتی کمونیست و ضد کارگر است. از نظر فرهنگی مدافع جامعه غربی است، اما دقیقاً بر طبق الگوی ایدئولوژیکی حاکم بر غرب امروز ابدأ روشنگر و مدرنیست نیست. بلکه کاملاً خواهان بقای نقش مذهب، و باورها و افکار و نهادهای سنتی بعنوان نیروهای کمکی در حفظ اقتدار بورژوایی در برابر طبقه کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم کارگری این دوره است.

در سطح جهانی این جریان متحد و مدافع علنی، رسمی و پرشور آمریکا و سیاست خارجی آن است. از نظر حزبی معمولاً مشروطه طلبان و سلطنت طلبان گروهبندی اصلی در این جنبش تلقی شده اند. اما بنظر من سلطنت طلبی جریان اصلی در این جنبش نیست و حتی در تحلیل نهایی سیستم فکری و خط مشی سیاسی هژمونیک در این کمپ را تشکیل نمیدهد و شانس این را هم ندارد.

خصوصیت اصلی این جریان پروغربی و پروآمریکایی بودن،

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### درباره سفر ابراهیم رئیسی به کردستان قاتل جوانان مردم در کردستان چکار می کند؟

سفر عضو هیئت مرگ خمینی و قاتل هزاران جوان پر شور انقلابی به کردستان در هر پست و لباسی تنها شایسته اعتراض و تنفر توده مردم بجان آمده کردستان است .

سفر قریب الوقوع رئیسی به کردستان که قرار است روز ۱۶ تیرماه انجام شود ، گرچه مانند تمام موارد فرمایشی قبلی ، هیچ هدفی غیر از فریب و نیرنگ و روحیه دادن به مزدوران جمهوری اسلامی ندارد ، اما با توجه به نقش و سابقه این جنایتکار حرفه ای نمک بر زخم مردم داغدیده کردستان می باشد . داغ کسانی را تازه می کند که می بینند و میشنوند که قاتل جوانان نازنینشان با اسم رئیس جمهور قدم به خیابان ها و میدانی شهرشان می گذارند.

تحمل قاتل جوانان و نو جوانان کردستان بعنوان رئیس جمهور ومهمان ، تنها کار مزدوران جمهوری اسلامی است . کار مزدوران محلی و کسانی است که بساط بیش از ۴ دهه حاکمیت و کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی را در کردستان مهیا و ممکن کرده اند . کار خود فروشان محلی در کردستان است که ۴۰ سال است در جرم و جنایت رژیم هار اسلامی شریک هستند .

اما زمان قدر قدرتی رژیم هار اسلامی بسر آمده است . میلیونها مردم معترض و آزادیخواه با قدمها و صدای رسا سالهاست که این واقعیت را فریاد زده اند که جمهوری اسلامی رفتنی است . امارفتنی است ! به این معنا نبوده و نیست که خودش می رود . حدود ۵ سال و از دیماه ۹۶ به اینطرف در کردستان و سراسر ایران مردم آزادیخواه عملا دست بکار بگور سپردن این رژیم مرتجع و ضد انسانی هستند . این امر اکنون حتی روزانه و در مقیاس بسیار وسیع تر ادامه دارد .

ترس مرگ چنان سران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است که نمی توانند آن را پنهان کنند . بهمین جهت اولویت اصلی و مشترکشان مقابله با سیل خروشان مردم مبارز جامعه ایران است .

می دانند مردم آزادیخواه و جان به لب رسیده دست بکار شده اند تا ریشه حاکمیت جنایتکارانه اشان را از بیخ در آورند . سفر رئیسی جنایتکار به کردستان هم در اوضاع کنونی جامعه ایران مقابله با خیزش و تنفر مردم کردستان است .

مردم مبارز کردستان!

جوانان انقلابی!

سفر سرکرده دولت جنایتکاران به کردستان هم علیرغم همه عوافرینی ها و برنامه های سخنرانی و هدیه دادن های تحقیر

آمیز که همواره در برنامه داشته اند ، در واقع می خواهد با روحیه دادن به مزدوران جمهوری اسلامی به خیال خودشان علیه مردم معترض خودنمایی کند . اما خیالشان خام است .

بخصوص اینجا در کردستان پا در جامعه ای گذاشته اند که تنفر از جمهوری اسلامی و مقابله با آن به اندازه عمر منحوس این رژیم قدمت دارد .

علاوه بر آن تعادل قوا و فضای سیاسی جامعه از شما توقع دارد که به سفر سر دسته قاتلین جمهوری اسلامی فعالیتت بر خورد کنید .

اگر سال های قبل و هنگام دیدار روسای جمهور قبلی مراسم و برنامه هایشان فقط جای حضور نیروهای رژیم و مزدورانش بود ، اینبار وامسال تنها منزوی کردن این سفر فرمایشی کافی نیست .

با نوشتن شب نامه و سازمان دادن اعتراض به حضور رئیسی ، فضای شهر ها و بخصوص شهر سنجندج را از انزجار و تنفر در مقابل سفر جلاد مردم کردستان پر کنید . قطعاً در تعادل قوای مقداری مناسب تر انتظار اقدامات ملیتانت و تعرضی جوابی مناسب و در خور خواهد بود ، با اینحال جولان سر دسته جنایتکاران در کردستان نباید در سکوت و بدون عکس العمل برگزار شود .

مرگ بر جمهوری اسلامی

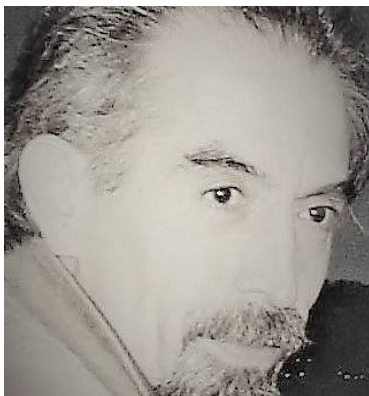
زنده باد مبارزه مردم انقلابی برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی  
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۹ تیر ۱۴۰۱

۳۰ جون ۲۰۲۲



کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض !



بسیار ناچیزی از حاملگی ناخواسته ناشی از تجاوز است و مابقی اساسا در فقدان آموزش جنسی و کمبود دانش و وسائل جلوگیری و واکنش به فشارهای واپسگرایی اخلاقی و فرهنگی است. دلایل اقتصادی هم هستند که عمدتا غیر مستند بطور کلی طرح میشوند. کسی برای این سوال جواب دارد که چرا بطور سیستماتیک دولتهای دست راستی و اتفاقا مذهبی و

سکت ها زنان را وادار به سقط جنین دختران میکنند؟ کسی جوابی برای سیاست هند و بسیاری کشورها دارد که صدای بورژوازی در سازمان ملل را هم در آورده که یک نسل کشی سیستماتیک در جریان است؟ اینها که هم راست اند و هم مذهبی .

“آزادی بیقید و شرط زنان در سقط جنین ”

دانشمندی کامنت گذاشته که آزادی زن بحث ندارد و زنان بی قید و شرط در سقط جنین باید آزاد باشند و بسیار حق جانب مخالف موضع دست راستی اش را مذهبی و اسلامی نامیده است. دریغ از یک جمله استدلال. این حتی موضع حزب دمکرات آمریکا هم نیست، آنها نمی گویند زنان در هر سنی و در هر شرایطی “بی قید و شرط” در سقط جنین آزادند یا مشوق آن باشند. چون علم پزشکی و دنیا سرشان میریزند که پرت و پلا گفتن هم حدی دارد .

این موضع وارونه مردسالاری و ادامه است. چرا؟ چون مردسالاری و مذهب و طرفدار خانواده سنتی و فرستادن زنان به خانه میگوید “ممنوعت سقط جنین” و این یکی میگوید “آزادی بیقید و شرط سقط جنین”. این همان موضع فمینیست اولترا راست است که سقط جنین را نشان تمدن و احقاق حقوق خویش و مالکیت بر بدن خود میداند .

“مای بادی مای چویس”

بدن من است و حق انتخاب دارم. ظاهر معقولی دارد، مگر کسی میتواند علیه حق انتخاب باشد. ما برای گسترش حقوق فردی و اجتماعی مبارزه می کنیم، ما برای نهادینه کردن اصولی غیر قابل مذاکره و بنیادهایی در جامعه کنونی مبارزه می کنیم. حق و حقوق گوشه ای از اینهاست. همه روی کاغذ حقوق مختلفی داریم اما نه عینیت دارد و نه مادی میشود چون احقاق حق تابعی از موقعیت اقتصادی است. وانگهی آدم از هر حقی استفاده نمی کند و جامعه بشری هر حقی را بدلائل بنیادی تری قبول ندارد. اگر “بدن خودت و انتخاب خودت” است باید از خودکشی ات جلوگیری نکنند، باید از شکنجه خودت جلوگیری نکنند. تا حالا دیدید کسی با این شعار انگشت یا دماغ خود را ببرد و دور بیندازد؟ ما راجع به امور آرایشی و زیبایی و بوتاکس و سیلیکون و دندان مصنوعی و غیره صحبت نمی کنیم، راجع به سرنوشت زندگی یک انسان و چگونگی برخورد جامعه و قانون با آن حرف میزنیم. وانگهی فرد اگر به تنهایی در کوه زندگی میکرد و بی نیاز از هر نوع رابطه اجتماعی و جامعه و مناسبات اجتماعی بود، شاید این ادعای واهی معنی داشت. اما ما داریم راجع به یک پدیده مستقل از مادر و پدر، که حقوقی باید داشته باشد حرف میزنیم. کدام اخلاق و قانون و سیاست به من اجازه میدهد یکی را نابود کنم به این دلیل

صفحه ۷

## در باره ممنوعیت سقط جنین در آمریکا

### چند نکته مقدماتی برای بحثی گسترده تر

سیاوش دانشور

قانون جدید ممنوعیت سقط جنین در آمریکا، یک تعرض دست راستی در مرکز دمکراسی جهان با اهداف سیاسی روشن است. اینبار هم قطب بندی صوری بین دو فراکسیون بورژوازی هیئت حاکمه آمریکا، نه برسر حقوق زنان بلکه برسر انتخابات و سیاستهای داخلی و خارجی است. در شرایطی که در دنیا یک کشتار وسیع و سازمانیافته چند ده میلیونی جنین و بویژه جنین مونث وجود دارد، محافظه کاران و خشکه مقدسهای مسیحی در حزب جمهوریخواه و تی پارتی و نهاد کلیسا و مذهب از این فرصت برای عقب راندن جوامع بهره میجویند. این تقابلی قدیمی در یک شرایط جدید داخلی و بین المللی است که به حق سقط جنین محدود نمیشود. در هر حال ظاهرا پرچم آزادی سقط جنین را بخشی از راست مذهبی و میلیتاریست در آمریکا و پرچم ممنوعیت آنرا بخش دیگر بورژوازی راست و مذهبی در دست دارند. پرو لایف ها و پروچویس ها، طرفداران حق حیات و حق انتخاب، همیشه وجود داشتند و باهم زندگی و حقوق پایه ای میلیاردها بشر کره خاکی از جمله آزادی زنان را هر روز مورد تعرض قرار میدهند. تحفه اینست که در این مورد معین موضع تعدادی در چپ و فمینیست ها نه تنها منطبق با بخشی از بورژوازی تروریست و آدمکش است بلکه کاسه داغ تر از اش هم میشوند .

سیاست ما علیه هر دو جناح راست

سیاست کمونیستی نمیتواند با مفروضات جناح های مختلف بورژوازی شروع کند. موضع مشخص ما نه ممنوعیت سقط جنین است و نه آزادی سقط جنین. موضع ما قانونی بودن سقط جنین تا ۱۲ هفته است. آنچه که برنامه ما در اینمورد میگوید در هیچ جای جهان وجود ندارد و سوپر فمینیست ها و چپهای آمریکا هم چنین پلاتفرمی نداشتند و هنوز ندارند. مشکل مخالفان ما این نیست که گویا ما خواهان “ممنوعیت سقط جنین” هستیم، که نیستیم، مشکل شان اینست که پاسخ تناقضی مهلک را نمی توانند بدهند و برای فرار از آن شعار میدهند، رجز میخوانند، شانتاژ می کنند و نهایتا افق شان در این بحث مشخص در بهترین حالت از هیلاری کلینتون فراتر نمیرود. حتی پروچویس ها به این زمختی حرف نمیزنند .

تعمیم نابجای استثنا به قاعده

در هر قانون و بحثی استثنا وجود دارد، ما داریم راجع به قاعده حرف میزنیم و قوانین یک جامعه و دولت آزاد کارگری و امروز تحمیل درجه ای از پلاتفرم کارگری به طبقه حاکم. استثنا بیانگر قانونمندی و توضیح دقیق هیچ بحثی نیست، بلکه هر استثنا راه حل مشخص میخواهد. چند مورد را بررسی کنیم:

“حاملگی ناخواسته ناشی از تجاوز”

تقریبا بیش از ده بار این جمله را در دفاع از “آزادی سقط جنین” دیدم. بررسی هر آمار جهانی و کشوری نشان میدهد که درصد

آموزش رایگان برای همگان!

خوب است و هر سال یک جنین را سقط می‌کنم تا تمرین دمکراسی کنم و حقوق صنفی ام را از اداره مربوطه بگیرم. نمی‌گویند عملی ناگوار است، عملی از سرناچاری با تأثیرات روانی منفی بسیار است، نمی‌گویند از زندگی یک پدیده مستقل به هر دلیلی جلوگیری کردم، به آن افتخار هم می‌کنند. من می‌گویم به این آزادیخواهی شما از سر تا پا شک دارم و حاضر نیستم یک لحظه کمونیسیم را تا این حد پایین بیاورم. سکوت اینها در مقابل کشتار با برنامه دولتهای مذهبی علیه جنین‌های مونث که سازمان ملل نام هولاکاست و نسل‌کشی و عناوین مشابه را روی آن می‌گذارد نیز معنی دار است. بنظر من تسلیم به سرمایه‌داری و سیاستهایش را نباید در پس شعارهای سطحی و حق من و حق تو و حق و آزادی زن بدون توضیح و مشخص ندید و از کنار آن گذشت. چنین دیدگاهی اصولاً نمیتواند مبشر یک جامعه آزاد و انسانی باشد.

ما برای بهبود مستمر در دل همین جوامع تلاش می‌کنیم اما نقدمان به این پدیده عمیق است و آنرا یک قلمرو بسیار شاخص از خودبیگانگی انسان می‌شناسیم. سقط جنین دردآور و سخت است، انتخاب نیست، یک راه بسیار ناگوار بدلائل مشخص است، نباید آنرا تقدیس کرد و نشان آزادی و حق تلقی کرد. این تنها نشان میدهد که منتقدین غیر جدی ما تا چه اندازه از مفاهیم واقعی و فلسفه آزادی و مبارزه برای آن دورند.

۲۹ ژوئن ۲۰۲۲

\*\*\*

## در باره ممنوعیت سقط جنین در آمریکا

### چند نکته مقدماتی برای بحثی گسترده‌تر

سیاوش دانشور

که “مالکیت” آنرا دارم؟ مگر بورژوازی با همین استدلال و با اتکا بر مالکیت خصوصی بر ابزار تولید طبقه کارگر را نابود نکرده است؟ چرا به جنین میرسیم استاندارد عوض میشود؟ “مای بادی” هیچ معنی کنکرتی در این بحث ندارد، کسی جلوی چوپس و انتخاب دیگری را در تغییر و زیبایی بدن نگرفته است. کسی لیدی گاگا و دیگران را به این دلیل محاکمه نکرده است. اینجا اختلاف اینست که برای یک فمینیست راست و چپهای طرفدار این بحث، جنین و بوتاکس و رنگ مو و لباس یکی فرض میشود. این درجه بالایی از خودخواهی، فردگرایی مفرط و بازاری، بی ارزشی برای جان انسان و پتانسیل دست زدن به اقدامهای محیرالعقول را ذیل “مای بادی مای چوپس” منعکس میکند. این خزعبلات راست نمی‌تواند موضع کمونستی و یک سیاست آزاداندیشانه و انسانی باشد.

“حق انتخاب”

حق انتخاب طنین قوی ای دارد و در هر مورد باید بحث شود. حق انتخاب سیاسی، حق انتخاب پارتی، حق انتخاب محل سکونت و غیره برای مثال معقول و منطقی و جزوی از حقوق همه ما باید باشد. اما هر حق انتخابی نه قابل دفاع است و نه مضمون پیشرو دارد. این دیگر ذهنیت دمکراسیخواهی بخشی از چپ است که میشود طی آن هر ارتجاعی را فروخت. مثلاً شما در کمال آرامش تصمیم می‌گیرید و با اکثریت بالا رای میدهید که حکومت فاشیستی مستقر شود و زمام امور را بدست گیرد. یا رای میدهید که زنان نصف مردان هستند و قوانین مترتب بر آن را تصویب می‌کنید. یا تصمیم می‌گیرید چون دچار فقر مالی هستید دستجمعی به زندگی تان پایان دهید. مثالها بی‌شمارند. از موضع دمکراسی و حق انتخاب هیچ ایرادی بر این عمل نیست. از موضع برابری انسانها و حق حیات بعنوان پایه ای ترین حق بشر و از موضع اصول بنیادی یک جامعه آزاد اینها مشتقی مزخرف بیش نیستند. تسلیم به دمکراسی و حق آبستراکت میتواند شما را به جاهای باریکی بکشاند.

یک تناقض مهلك

منتقدین عزیز نمیتوانند علیه سیاست ما مبنی بر قانونیت سقط جنین (و نه ممنوعیت یا آزادی آن) حرفی بزنند. نمیتوانند نشان دهند که حتی یکدهم برنامه ما را در اینمورد گفته اند و نوشته اند. با این مواضع صرفاً دنباله رو دمکراتهای مسیحی هیئت حاکمه آمریکا و فمینیسم طبقات دارا بوده اند. برای همین استننا را بجای قاعده طرح میکنند و دیگر حرفی ندارند و جار و جنجال راه می‌اندازند.

مشکل اساسی شان اینجاست که کشتن یا از بین بردن یا سقط یک جنین را عملی ضد اخلاقی، ضد انسانی، که تمام عمر برای یک خانواده باقی میماند نمی‌دانند، سهل است، مایه افتخار و احقاق حقوق تلقی می‌کنند. اینها حاضر نیستند بگویند بله خیلی هم

# Workers, Rise Up Against The Capitalist War!

## Not To War, Not To Austerity!

حکمتیست  
حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

کارگران جهان متحد شوید!



کنند. نمونه بارز و زمخت دژ اروپا در مقابل پناهجویان تلاش برای اعزام و اسکان آنان در روانداست که دولت بوریس جانسون در دستور کار خود گذاشته است و تاکنون علیرغم مخالفت دادگاه حقوق بشر اروپا هنوز از تلاش مذبوحانه برای عملی کردن رویاهای چندین ساله‌شان همراه با پرتی پتل وزیر کشور، سخت می‌کوشند.

بورژوازی چهره جهان را بیش از پیش کریه و کریه‌تر کرده است. بالغ بر ۱۰۰ میلیون انسان از خانه و کاشانه خود فراری شده، به یمن دولتهای مهاجم (بریتانیا، فرانسه و ایتالیا) لیبی به میدان فروش برده تبدیل شده است و نه تنها دست قاچاقچیان انسان را کوتاه نکرده‌اند بلکه چندین برابر افزایش یافته و میلیونها دلار به جیب می‌زنند و بازار سو استفاده جنسی و مادی این قشر انگل و تقیلی از جان و تنمه اندوخته شده پناهجویان را بازتر می‌کنند.

سیاست درهای بسته و ایجاد دیوار مرزی مابین آمریکا و مکزیک یکی از سیاستهای ارتجاعی و بشدت ضد انسانی دولت ترامپ بود که هنوز پا برجاست. دولتهای سرکوبگر و تحمیل کننده فقر فلاکت و بی‌آفتی به جامعه و همچنین تغییرات اقلیمی و محیط زیستی عامل اصلی فرار و جابجایی میلیونها انسان از اقصی نقاط جهان شده است.

سال گذشته شاهد به قدرت خزاندن وحوش طالبان در افغانستان بودیم و اوج گرفتن اعدامها در ایران و کوچ ناشی از نا امنی در آفریقا و فقر بیشتر در آمریکای لاتین و جنگ خانمانسوز در اکراین و تحمیل هزینه‌های جنگ و توحش به مردم در اقصی نقاط جهان.

علیه این اوضاع ضد انسانی باید ایستاد، دولتها را ناچار به برداشتن دژهای وحشتناک ضد پناهندگی کرد و مانع از کوبیدن میخهای آخر به تابوت قوانین پناهندگی شد. امروز کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، بال گردنشان شده و در تلاش هستند زیر بار تعهدات این کنوانسیون شانه خالی کنند. مسئول تمامی فجایع تاکنونی و فجایع انسانی دیگر که قطعا اتفاق خواهد افتاد دولتهای ریاکار سرمایه‌داری هستند که نقش غیر قابل انکاری در ایجاد چنین فضایی دارند.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز سازمانها و انسانهای آزادیخواه را به مبارزه جدی علیه بربریت موجود فرامی خواند.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی- بی مرز

۰۱ ژوئیه ۲۰۲۲

\*\*\*

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

## بازهم فاجعه انسانی جان پناهجویان را

### گرفت

سعید آرمان

روز سه شنبه ۲۸ ژوئن ۲۰۲۲ اجساد بیش از ۴۶ پناهجو در یک کامیون در اطراف شهر سن آنتونیو واقع در ایالت تگزاس آمریکا پیدا شد.

کارگری که از کناز کامیون حامل دهها پناهجو رد شده بود صدای نحیف زجه‌های کودکان را شنیده و کنجکاو شده و پلیس محلی آمریکا را از ماجرا مطلع کرده است. بعد از حضور پلیس و آتش نشانان متوجه شده‌اند که اجساد بیش از ۴۶ پناهجو یا مهاجر در کامیون کشف و ۱۶ نفر که تعدادی از آنان کودک بوده‌اند به بیمارستان انتقال داده شده‌اند. این پناهجویان به دلیل گرمای قریب ۴۰ درجه خفه شده‌اند.

این اولین بار نیست که چنین فجایع انسانی رخ می‌دهد. سال ۲۰۰۰ در شهر ساحلی دور ۵۸ پناهجوی چینی در کامیونی خفه شدند. در سال ۲۰۱۹ یکبار دیگر بریتانیا شاهد تراژدی انسانی دیگری شد که ۳۹ پناهجوی ویتنامی نیز در کامیونی جان باختند. دهها مورد دیگر از غرق شدن قایقهای حامل پناهجویان در دریای اژه تا مدیترانه و کانال مناش که آمارشان به ۱۰ هزار نفر می‌رسد، و در جنگلهای مابین بلاروس و لهستان همه و همه به قتلگاهی برای فراریان از اوضاع ناهنجار موجود در آفریقا و آسیا تا آمریکای مرکزی بدل شده است. اوضاعی که به یمن سرمایه و نظام جهانی اش کلور کلور انسانها به امید زندگی بهتر خطر را به جان می‌خرند.

جمعه گذشته ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲ نیز در جریان تلاش صدها پناهجو از کشورهای آفریقایی به "میلیلا" بخشی از خاک مراکش که زیر سلطه اسپانیاست توسط پلیس مراکش قتل عام شده‌اند. طبق آمار رسمی اعلام شده ۲۳ پناهجو توسط پلیس مراکش کشته شده‌اند و دهها نفر دیگر مجروح. سازمانهای مدافع پناهندگی این آمار را واقعی نمی‌دانند و میگویند تعداد کشته شدگان مابین ۲۷ تا ۳۷ نفر می‌باشند و نیروهای امداد که عازم محل شده‌اند با ۱۲ ساعت تاخیر مجروحان و مصدومان و کشته شدگان را به بیمارستان انتقال داده‌اند.

روز یکشنبه ۲۶ ژوئن در شهرهای اسپانیا از جمله بارسلونا، مادرید، بلبانو، ساراگوسا، سویا، گراندادا و غیره صدها اسپانیایی به فرآخوان سازمانهای مدافع حقوق بشر و پناهندگی به قتل عام پناهجویان اعتراض کردند. قاتلین این انسانهای جوینده زندگی مناسبتر کسانی هستند که در راس حکومتهای سرمایه‌داری نشسته‌اند و تصمیمات ضد انسانی علیه پناهجویان "غیر قانونی" اتخاذ می‌کنند. روزی دیوار بتونی مابین آمریکا و مکزیک توسط ترامپ ابداع می‌شود و روزی دیگر سیمهای خاردار مرتفع در مرزهای زمینی اروپای شرقی را مانع از ورود پناهجویان می

**توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!**





دیگر از پ.ک.ک میباید.

مختصری در مورد جنبش "گولن"، اردوغان و حزب عدالت و توسعه!

با حمایت‌های سیاسی، جنبشی و حتی مالی از سوی فتح الله گولن و نجم الدین ارباکان (از رهبران جنبش اسلام سیاسی در ترکیه) رجب اردوغان و حزب تازه جدا

شده از جریان "ارباکان" با اعلام موجودیت حزبی تحت عنوان "عدالت و توسعه" از انتهای دهه ۹۰ و پوشش رسانه ای متحد بین المللی ترکیه یعنی آمریکا، در سال ۲۰۰۲ بر مسند قدرت نشست.

فتح الله گولن بواسطه راه اندازی کردن شبکه ای اسلامی که در لایه های مختلف جامعه ترکیه و حتی نقاط مختلف جهان سرمایه گذاری کرده بودند و همچنین به پرورش و نیروگیری از بین افراد مختلف در نقاط مختلف جهان فعال بود مورد توجه و علاقه اردوغان و جناحش بود. سازماندهی اندیشه اسلام سیاسی و عقاید ارتجاعی آن در سازمانهای گسترده ای که در بین مراکز حتی آموزشی و خوابگاه‌های رایگان به پرورش نیروهای مرتجع تازه نفس می‌پرداخت نیز همواره مورد تأیید و حمایت اردوغان بود.

تغییر موقعیت گولن از "استاد فتح الله (Fethullah Hoca)" به "فتو" در نزد دولت اردوغان و حزب عدالت توسعه همه در راستای تصفیه حساب سیاسی است که در واقع حزب حاکم پارلمان ترکیه و خود شخص اردوغان را به قدرت رسانده است میباشد. محبوبیت "گولن" در بین بخش سرمایه داران و سیاستمداران مذهبی حتی در حزب عدالت و توسعه زنگ خطری همیشگی برای اردوغان و هسته مرکزی حزبش بود که تحت عنوان کودتایی ساختگی فرصتی پیدا کرد و در سال ۲۰۱۶ به پاکسازی مخالفان خود پرداخت.

قطعا جنبش فتح الله گولن جنبشی ارتجاعی هم رده با حزب الله لبنان و القاعده میباشد، اما نکته جالب اینجاست که خود اردوغان و جناحش همه ساخته و پرداخته این چنین جنبشی ارتجاعی و مافیایی میباشد.

سرکوب فعالین کرد هدف امضا اردوغان بر عضویت فنلاند و سوئد به ناتو!

دولت ترکیه از ابتدا و بعلاوه بعد از دوره حاکمیت سیاسی حزب عدالت و توسعه و اردوغان پس از ۲۰۰۲ و مشخصا در ادامه بالا گرفتن حمله به نیروهای کرد و برهه دادگاه‌های "بالیوز" و "ارگنه‌کن" بعد ۲۰۰۶ موج حمله به مقرر نیروهای پ.ک.ک و فعالین چپ کمونیست کرد نیز بالا گرفت. حملات هوایی دولت اردوغان به کردستان عراق، حمله به جنبش دانشجویی و شکنجه و زندانی کردن فعالین کمونیست مدافع حقوق مردم کرد زبان، کشتار غیر نظامیان در شهرهای کردستان ترکیه بعد از سال ۲۰۰۶ شدت یافت و در این بین صدها نفر کشته، زخمی و آواره شدند.

حمله های پی در پی به مناطق کردستان ترکیه و کشته شدن نیروهای پارتیزان کرد، قتل عام غیر نظامیان در حین حمله به نیروهای پ.ک.ک بدست ارتش فاشیستی ترکیه و همچنین سازماندهی نیروهای حزب الله در مناطق کردنشین

صفحه ۱۰

## توافق پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو در قبال تحویل اپوزیسیون در تبعید!

امیر عسگری

دولت ترکیه به عنوان یکی از اعضای مهم ناتو که حق وتو نیز دارد، پس از سرکشی نمایشی اردوغان رئیس جمهور پوپولیست و مرتجع اش ۲۸ ژوئن امضا تایید خود را برای عضویت فنلاند و سوئد را عقد کرده و در برابر این امضا خواهان استرداد "۶ عضو پ.ک.ک، ۶ عضو جنبش گولن از فنلاند، ۱۰ عضو جنبش گولن و همچنین ۱۱ عضو پ.ک.ک از سوئد" شد.

این در حالی است که بیان عضویت در پ.ک.ک. (حزب کارگران کردستان) از سوی دولت ترکیه همواره به عنوان انگ سیاسی برای سرکوب استفاده شده تا بتواند فعالین کرد خواهان خلاصی از فاشیسم و نابرابری ترک-کرد استفاده شده و اکنون نیز به هارترین حد خود رسیده است.

حکومت ترکیه از سال ۲۰۱۶ و در کودتایی کاملا مشکوک و نافرجام در آنکارا ایزاری جدید برای سرکوب مخالفین خود تحت عنوان "فتو" که مخفف شده نام "فتح الله گولن" رهبر جنبش "گولن" میباشد تحت عنوان یک جنبش تروریستی استفاده میکند.

اما تحت عنوان "فتو" سایر فعالین حتی کمونیست مخالف خود را به بهانه شرکت و قصد براندازی نظام و ارتباط با "فتو" دادگاهی، شکنجه و زندانی کرده و موجب حتی فرار آنان از ترکیه شدند. در میان بازداشت شدگان چپ غیر مرتبط به این جنبش ارتجاعی که همخون با "رجب اردوغان" میباشد، اساتید کمونیست دانشگاه‌های معتبر ترکیه به چشم میخورند، نام‌هایی که در میان زندانیان سیاسی پیشین دوره کودتای دهه هشتاد ترکیه وجود دارد.

حکومت ترکیه اما بیش از پیش سوار بر موج سرکوب و کشتار فعالین کرد با هر رگه سیاسی شده است. پرونده اردوغان و دولتش از کشتار و قتل عام کردها پر است و اگر بخواهیم صفحات خونین این پرونده را ورق بزنیم و اگر جهانی عادل داشتیم، دولت ترکیه و در راس آن اردوغان می‌بایست به عنوان عامل نسل کش مورد محاکمه قرار می‌گرفتند.

نمونه قتل عام دولت اردوغان عبارتند از؛

حمله به کردستان عراق و کشتن غیر نظامیان کرد به بهانه حمله به مقر پ.ک.ک در کوه‌های قندیل از ۲۰۰۲ تاکنون، حمله سنگین نظامی به ساکنین شهر دیاریکر (آمد) تحت عنوان پاکسازی از نیروهای پ.ک.ک در منطقه شهری در سال ۲۰۱۵ به فرمان اردوغان و داوداوغلو که نتیجه آن کشته شدن غیر نظامیان، فعالین مخالف اردوغان و پاکسازی نمایندگان منتخب کرد و انتصاب قیم دولتی به مناطق مربوطه بود، حمله مشترک ارتش ترکیه و نیروهای شبه نظامی تحت نام "ارتش آزاد سوریه" که متشکل از نیروهای تروریست سلفی-اسلامی بودند به مناطق شمالی سوریه به بهانه ایجاد نوار امن مرزی با کشتار مخالفین کرد و فعالین احزاب کرد منطقه ای و تصمیم دوباره جهت حمله به مناطق کرد سوریه به بهانه مقابله با ی.پ.گ که به گفته اردوغان شاخه ای

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## توافق پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو در قبال تحویل اپوزیسیون در تبعید!

امیر عسکری

و چشم پوشی نیروهای پلیس و ژاندارمری از جنایات این فرقه تروریست مورد حمایت حکومت اردوغان نیز در دوره پس از حاکمیت حزب عدالت و توسعه به اوج خود رسید.

دولت ترکیه بعد از اتفاقات پارک گزی در استانبول از سال ۲۰۱۳ به بعد به دلیل شرکت احزاب ممنوعه مختلف کمونیستی که در لیست سیاه دولت ترکیه قرار دارند و حمایت معترضین از این فعالین در جریان اعتراضات توده ای "پارک گزی"، به سرکوب ویژه فعالین چپ گرا که بخش قابل قبولی از آن را فعالین کرد تشکیل می دهند پرداخت. در ادامه موج سرکوب نیروهای چپ و مخصوصا مدافعین حقوق کردها، در سال ۲۰۱۵ با همکاری گروهی فاشیست تحت نام "اولکوجی" به مقر حزب دمکرات خلق ها که اکثر آن را سیاستمداران کرد تشکیل میدهند در آنکارا حمله و به آتش کشیده شد. در ادامه این حمله سازماندهی شده، رهبران این حزب از جمله صلاح الدین دمیرتاش توسط حکومت ترکیه به بهانه پروپاگاندا پ.ک.ک بازداشت شد و تعداد زیادی به کشور های اروپایی پناهنده شدند.

حکومت ترکیه که در حذف فیزیکی مخالفین سیاسی و نقض آزادی بیان ید تولایی دارد، قصد دارد با تعیین شرط جدیدی در قرارداد پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو به عنوان عضوی که حق وتو در این سازمان میلیتاریستی-امپریالیسم آمریکایی و کمونیست ستیز دارد، نقض آزادی بیان را وارد سیاست اروپا کند.

شرط پیوستن سوئد و فنلاند به سازمان امپریالیستی ناتو که قصدی جز میلیتاریسم و جنگ زایی و سرکوب توده را ندارد، در گرو تحویل مخالفین سیاسی رجب اردوغان که در این لیست حتی نام نماینده چپگرا سوئد "امینه کاکاباوه" به چشم میخورد، چهره اروپا و مفهوم دفاع از آزادی بیان و اندیشه را نه تنها نقض می کند بلکه ماهیت ارتجاعی سرمایه داری و دمکراسی مورد ادعای آنان را بیش از پیش بر جامعه جهانی آشکار می سازد.

احمد قهرمان، نویسنده تبعیدی کرد و عضو فعال انجمن نویسندگان بن آلمان که بارها مورد تهدید و سو قصد توسط دولت ترکیه قرار گرفته نیز در رابطه با این قرار داد ننگین، علاوه بر تاکید چهره واقعی دولت اردوغان در سرکوب و کشتار مخالفین سیاسی دولت ترکیه چه با ابزار حزب الله در شهرهای کرد نشین و چه بوسیله حمله میلیتاریستی در خاک عراق، ترکیه و سوریه و کشتار مردم به بهانه پ.ک.ک و همچنین همدستی اردوغان با داعش در جنگ سوریه به نکاتی مهم نیز اشاره می کند. در انتهای مقاله اش "قهرمان" به نقض آشکار و از بین رفتن رویای آزادی بیان در اروپا با امضای چنین قراردادی تاکید می کند.

حزب کمونیست ترکیه نیز در قبال اجلاس اخیر اردوغان با روسای دولت فنلاند و سوئد موضعی قاطع و محکم گرفته و گفت: "کشورمان را بدست پروناتوها رها نخواهیم کرد!"

در انتهای بیانیه رسمی حزب کمونیست ترکیه آمده است:

"ملحق شدن سوئد و فنلاند به ناتو، در حالی که امکانات جدیدی برای بزرگترین سازمان تروریستی جهان ناتو فراهم میکند، همین امکانات به معنی گسترش خطرناکتر جنگ است. دنیا با سرعت به سمت یک جدایی دیگر در حال سیر است. جنگ، این ابزار بربریت امپریالیستی انسانیت را از بین خواهد برد، صفحات خونین زیادی باز خواهد کرد و یا زحمتکشان در برابر این بربریت ایستاده و قدرت سیاسی را خواهند گرفت. حزب کمونیست ترکیه از گزینه دوم یعنی، در جهت محقق شدن اقتدار خلق زحمتکش هر چه در توان دارد انجام خواهد داد. ناتو شکست خواهد خورد، توده هایمان پیروز خواهند شد!"

آنچه از بعد سرکوب فعالین سیاسی در تبعید با شرط حکومت ترکیه و دول فنلاند و سوئد به چشم می خورد، امکان نقض آشکار آزادی بیان و قانون بین المللی پناهندگی توسط حکومت های اروپایی و تسلیم نیروهای تبعیدی به جلادان و قاتلان چون حکومت های ترکیه و جمهوری اسلامی در پی قراردادهایی باز میکند که نفع سیاسی، اقتصادی و تجاری این دول را تحت تاثیر قرار می دهد.

در صورت تحویل هر کدام از فعالین مخالف اردوغان به این کشور (ترکیه) توسط هر کدام از کشورهای اروپایی این اقدام احتمالی را باید به مفهوم همدستی در قتل و کشتار و نقض آشکار حقوق انسانی در قرن ۲۱ دانست و علیه این اقدام احتمالی باید توسط دادگاه های مردمی و با حقوق بشری اعلام جرم کرد. همکاری در سرکوب پناهندگان سیاسی جنایتی است که در رده جنایت علیه بشریت قرار میگیرد و عاملین و آمرین آن را باید محاکمه و محکوم کرد.

از کنار چنین مسئله ای به سادگی نمی توان گذشت، اگر بواسطه توافق طرفین عقد قرارداد سیاسی، نظامی و اقتصادی-تجاری بین اتحادیه اروپا و حکومت هایی همچون ترکیه و جمهوری اسلامی شرط استرداد فعالین تبعیدی موضوعیت پیدا کند، ماهیت سرمایه داری افسارگسیخته به عریان ترین شکل ممکن خود را در قالب همکاری در قتل عام مخالفین سیاسی در قلب اروپا بعد از جنگ جهانی دوم اینبار در قرن ۲۱ خود را نشان خواهد داد.

قطعا ساکت نخواهیم نشست و در برابر همکاری هر کدام از حکومت هایی که قصد سرکوب پناهندگان سیاسی را دارند خواهیم ایستاد، دست به اعتراض زده و حتی مجریانشان را به دادگاه های مردمی خواهیم کشاند.

۳۰ ژوین ۲۰۲۲

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

علیه جنگ ارتجاعی، علیه ریاضت اقتصادی!



## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

باز نشر مصاحبه منصور حکمت در مورد سقط جنین به مناسبت قانون جدید ممنوعیت سقط جنین در آمریکا. خوانندگان این مصاحبه را به خوانندگان توصیه می‌کنیم.

سردبیر

ثریا شهبازی: پیش از صحبت در مورد نکات گرهی بحث سقط جنین، مثل دفاع از "حق انتخاب"، "حق زن بر بدنش"، "دفاع از حق حیات" و سرانجام این مطالبه در یک جامعه آزاد و انسانی، می‌خواهم ابتدا نظرت را در مورد یک نکته بدانم. مخالفت برنامه با نفس این عمل از یک طرف و خواهان قانونی بودن آن را چطور توضیح می‌دهی؟ می‌گویند برنامه چون سقط جنین را گواه از خود بیگانگی بشر می‌داند، باید نتیجتاً مخالف قانونی بودن سقط جنین باشد و موافقت برنامه با اصطلاح تاکتیک است. نظرت در این مورد چی است؟

منصور حکمت: این روش برخورد در برنامه ما نه منحصر به بند سقط جنین است و نه راستش روشی منحصر به ماست. بسیاری از روابط و مسائل اجتماعی هستند که همه ما در عین اینکه آرزوی محوشان را داریم آن را بعنوان یک واقعیت عینی و داده جامعه کنونی به رسمیت می‌شناسیم و سعی می‌کنیم آثار ناگوار آنها را بر زندگی خود و همه مردم کاهش بدهیم. روش برخورد برنامه به کار مزدی عیناً همین است. ما خواهان حذف کار مزدی هستیم، دنیایی که در آن یکی برای امرار معاش مجبور است قدرت جسمی اش را به دیگری کرایه بدهد برای بشریت عار می‌دانیم. کار مزدی هم مانند سقط جنین گواه از خود بیگانگی بشر است. اما بخش زیادی از برنامه معطوف به قانون گذاری در مورد شرایط و مقررات کار مزدی در این جامعه است. مقوله دولت همینطور، مقوله مذهب همینطور. در همان بخش دوم برنامه ما خواهان آزادی مصرف برخی مواد مخدر و حتی تامین دولتی آن برای معتادین شده ایم و این را شرط از بین بردن اعتیاد می‌دانیم. ما خواهان رفع ممنوعیت از تن فروشی و حمایت قانون از تن فروشان شده ایم و این را یک شرط از بین بردن فحشاء می‌دانیم. جواب مصائب جامعه سرمایه داری غیرقانونی کردن آنها و تنبیه قربانیان آن نیست. این فقط حرف ما کمونیستها نیست، حرف هر کسی است که همپای همین تمدن اروپایی جلو آمده باشد.

سقط جنین هم عیناً همینطور است. ما سقط جنین را کار درستی نمی‌دانیم. دوست داریم جامعه ای وجود داشته باشد که در آن اصلاً این مساله پیش نیاید. کار مردم اصلاً به اینجا نکشد و چنین انتخابی اصلاً مورد پیدا نکند. آیا این خواست عجیبی است؟ خیر. این خواست اکثریت عظیم مردم و قبل از همه خواست هرکسی

است، چه زن و چه مرد، که درد ناشی از سقط جنین را در زندگی مستقیم خود حس کرده باشد. من سراغ ندارم کسی یا جنبشی را که نفس عمل سقط جنین را بعنوان یک عمل تعالی بخش انسانی تقدیس کند. بی احساسی و بی تفاوتی عاطفی نسبت به این مساله در محافل بنیادگرا در جنبش فمینیستی وجود دارد. اما این بیشتر حاصل تربیت سیاسی سکتاریستی و تعصبات ایدئولوژیکی و فرقه ای اینهاست تا رجعتی به احساس واقعی شان بعنوان انسان.

اما به صرف خواست و آرزوی ما واقعیت بیرونی محو نمی‌شود. حاملگی ناخواسته و پشیمانی از حاملگی های خواسته وجود دارد، تنگناهای مالی و فرهنگی و سیاسی وجود دارد، فشار روی زن بی نهایت وجود دارد و لاجرم برای عده زیادی سقط جنین بصورت تنها راه خروج از یک بن بست ظاهر می‌شود. سقط جنین یک واقعیت دنیای امروز است و جامعه نمی‌تواند برای آن شانه بالا بیاندازد، نمی‌تواند چشمش را بروی آن ببندد. باید موازین این عمل را، که مستقل از اراده هر دولت و حزب و جنبش سیاسی، بهرحال وجود دارد روشن کرد. ممنوعیت سقط جنین تنبیه قربانیان سیستم اجتماعی موجود است. این نمی‌تواند موضع ما باشد.

برنامه ما اعلام می‌کند که عمل سقط جنین را نادرست و نافی اصول انسانی خود می‌داند. اما چه برای حمایت از قربانیان تنگناهای اقتصادی و جهالت فرهنگی در جامعه موجود و چه برای مبارزه با زمینه های این عمل معتقد است که سقط جنین باید قانونی باشد. راستش اکثر فعالین جنبش "پروچویس" و گردانندگان و پزشکان کلینیکهای سقط جنین و قانونگذاران پروچویس هیات حاکمه آمریکا هم همین موضع را دارند و در پاسخ این سوال همین را خواهند گفت: سقط جنین عمل درستی نیست، اما باید قانونی باشد. تفاوتی اگر هست صراحت ما در بیان انسانی نبودن نفس عمل سقط جنین است. برای بنیادگرایان در جنبش فمینیستی این نقد ظاهراً سنگین است. از نظر سیاسی برنامه حزب کمونیست کارگری خواهان قانونی شدن سقط جنین تا دوازده هفتگی، مجانی بودن آن، منوط بودن آن به صرف تصمیم زن و انجام آن در کلینیکهای تخصصی است. جنبش پروچویس در آمریکا به این مطالبات بعنوان آرزوهای حداکثر خود نگاه می‌کند و تحقق آن را در آمریکا به این زودی ها عملی نمی‌داند. اگر چپ سابق تازه فمینیست مهاجر ایرانی با این خواست مساله دارد، مطمئن باشید از سر فمینیسمش نیست. اگر کسی این نقد را در یک جلسه علنی جلوی من بگذارد از او خواهم خواست خلاصه و صریح و بدون طفره رفتن جواب دو سوال را بدهد: اول اینکه نظر خودش راجع به نفس عمل سقط جنین چیست و آیا این عمل را

## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

اصولا عمل ناگوار و تلخی می داند یا خیر هیچ مشکل معنوی و اصولی و وجدانی ای با سقط جنین ندارد. بنظر من کسی که در یک جلسه علنی بلند بشود و عمل سقط جنین را امر پیش پا افتاده ای تصویر کند که مردم بیهوده در مقابل آن تردید می کنند و دو دل می شوند، تا چه رسد به اینکه این عمل را نشان تعالی زن در جامعه و مایه مباهات بشمارد، جوابش را از سالن خواهد گرفت. این نوع لاقیدی و برخورد سرسری و سطحی به مساله اخلاقی بزرگی که سقط جنین جلوی همه، چه مدافعین قانونی شدنش و چه مخالفین آن، می گذارد خود را در هر جمعی بیرون جلسه سکت خودش بسادگی افشاء می کند. ثانیاً، از او خواهم خواست ایرادش به بند برنامه ما که خواستار سقط جنین قانونی رایگان به انتخاب زن تا دوازده هفتگی است را روشن و بدون هیاهو بگوید.

ثریا شهابی: در مورد آینده حق سقط جنین در سوسیالیسم و بطور کلی یک جامعه با موازین انسانی، می گویند آمدیم و علیرغم همه آموزشها و حمایت ها و غیره، تین ایجری ۱۲-۱۳ ساله حامله شد، آیا شما مجبورش می کنید بچه را نگه دارد در حالی که خودش بچه است؟

منصور حکمت: این نوع سوالات و استفتائات مچ گیرانه سنت اسلامی است، (اگر زلزله آمد و ...) مثال دختر ۱۲ ساله را در توجیه سقط جنین به میان کشیدن استدلال ضعیفی است، چون سقط جنین پدیده وسیعتری از معضل حاملگی دختران دوازده ساله است و منطقش را از اینجا نگرفته است. در انگلستان امروز با همه مصائب اجتماعی و بی حقوقی و بی امکاناتی کودک، مطابق آمار خود کمپین سراسری سقط جنین که ممانعت از کاهش مهلت سقط جنین از ۲۴ هفتگی به ۱۸ هفتگی را جزو افتخارات خودش میشمارد، از کل ۱۶۰ هزار مورد سقط جنین در سال ۹۲ تنها سه هزار مورد مربوط به جوانان زیر ۱۶ سال بوده است. یعنی کمتر از ۲ درصد. از خود این لیست هم فکر نمی کنم آمار ۱۲ ساله ها از یک درصد بیشتر باشد. ۱۶۰ هزار سقط جنین را نمی توان با معضل حاملگی ناخواسته برای دختران دوازده ساله توجیه کرد. در مقابل هر سیستم و هر استدلالی می توان بن بست های اخلاقی و پارادکس های منطقی و "توضیح المسائلی" قرار دارد و شرایط دردناک و تراژیکی را تجسم کرد. من هم می توانم متقابلاً ببرسم اگر سقط جنین در جامعه آرمانی "کمپین سراسری سقط جنین" در انگلستان تا روز قبل از زایمان آزاد باشد و اگر زن ۲۸ ساله ای در هفته ۳۱ تصمیم بگیرد که بچه اش را سقط کند و هیچ دکتری حاضر به انجام این عمل نباشد، اینها چکار می کنند، دکتر را "مجبور می کنند" علیرغم اینکه این عمل را ضد انسانی و

جنایتکارانه می داند سقط جنین را انجام بدهد؟ مساله سقط جنین یک مساله ماکرو و عمومی و اجتماعی است و باید پاسخ ماکرو بگیرد. اگر پاسخ عمومی و بنیادی یک جنبش درست و انسانی و راهگشا باشد، موارد ویژه را می شود در متن این پاسخ انسانی جواب داد. اما یک پاسخ غیر انسانی با هیچ مثل و متلی از این یا آن مورد ویژه مشروعیت پیدا نمی کند.

بهرحال پاسخ من به معضل تین ایجر سوسیالیست حامله اینست: اولاً، ما حرفی از غیر قانونی شدن سقط جنین در سوسیالیسم نزده ایم. ما از بی نیاز شدن جامعه از این عمل صحبت کرده ایم. در نتیجه فکر نمی کنم در سوسیالیسم (بویژه در سوسیالیسم) دختر دوازده ساله را به زایمان یا هر کار دیگری "مجبور" کنند. ثانیاً، پاسخ واقعی را باید در بهبود و گسترش روشهای جلوگیری، آموزش جنسی، افزایش حقوق کودک و ارتقاء حرمت او، مبارزه با اخلاقیات عقب مانده و تعصبات جاهلانه مخالف با دانش جنسی همگانی و کنترل آزادانه افراد بر روابط جنسی خویش، و نظیر اینها جستجو کرد. باید کاری کرد که نه فقط تین ایجرها، بلکه هرکس که نمیخواهد حامله شود، بتواند حامله نشود. آیا این از نظر فنی و علمی مقدور است؟ بنظر من تردید نیست. ابداع و بهبود روشهای جلوگیری در جامعه زن - سنیز معاصر آنطور که باید مورد توجه نیست. اگر یک ده هزارم بودجه تحقیقاتی ای که به گسترش تکنولوژی جنگی و جاسوسی اختصاص داده می شود، صرف این مساله می شد تابحال راهش را پیدا کرده بودند. باز برمی گردیم به جای اول: آیا از بین بردن جنین در شکم مادر کار ناگوار است یا خیر. آیا صدایی از درون منتقد ما به او می گوید "کاهش مجبور به این کار نباشیم"، یا خیر؟ اگر آری، آنوقت تلاش برای ایجاد جامعه ای که انسانها در آن ناگزیر به سقط جنین نباشند تنها راه انسانی و شرافتمندانه به جلو است. اما کسی که سقط جنین را با عمل لوزه از یک نوع می داند و قادر به درک عمق مساله و تلخی و بن بست اخلاقی آن برای انسانهای بی شمار و نسلهای متعدد نیست، طبعاً با این تلاش بیگانه است.

ثریا شهابی: برنامه حزب در تقابل دو قطب "پروچوپس" و "پرولایف" کجا قرار می گیرد و کلا ارزیابی ات از این قطب بندی چیست؟

منصور حکمت: تصور نسبتاً رایجی که بخصوص در میان محافل تازه فمینیست ایرانی در خارج کشور هست اینست که گویا پروچوپس ها مدافعان عمل سقط جنین و پرولایف ها مخالفان آن هستند. اینطور نیست. بحث بر سر قانونی بودن یا نبودن سقط جنین است و نه خوب و بد بودن این عمل. پروچوپس ها مدافعان قانونی بودن سقط جنین هستند در عین اینکه خیلی از آنها با نفس عمل سقط جنین مخالفند. موضع حزب کمونیست کارگری هم دفاع از قانونی بودن سقط جنین است. از نظر حقوقی آنچه در برنامه حزب آمده آرزو و هدف ماگزیم جنبش پروچوپس در کشوری مانند آمریکا است که تا بیست سال دیگر هم شانس دستیابی به آن را ندارند و در بسیاری از کشورهای اروپایی نیز هنوز متحقق نشده است. در برنامه ما سقط جنین تا دوازده هفتگی آزاد و قانونی است. انتخاب تمام با خود زن است و نه هیچکس دیگر و زن

## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

نیازی به ارائه توجیه و استدلال به هیچ مرجع پزشکی و اداری ندارد. سقط جنین رایگان است و باید در کلینیکهای مجهز انجام بشود. تحقق چنین خواستی حتی در مخپله جنبش فمینیستی آمریکا هم نمی گنجد. از نظر حقوقی یک ناظر خارجی در اروپا و آمریکا برنامه حزب کمونیست کارگری را بعنوان یک سند پروچویس دسته بندی می کند چون خواهان آزادی سقط جنین است.

منتها خود این اسم گذاری پرو چویس (طرفدار انتخاب) و پرو لایف (طرفدار حیات) گمراه کننده و تبلیغاتی است. در آمریکا که بستر اصلی این قطب بندی است، بخش پر سر و صدا و میلیتانت جنبش پرو لایف را گروههای راست و محافظه کار و مذهبی تشکیل می دهند که در واقع کوچکترین احترامی برای حیات قائل نیستند. اینها مدافعان مجازات اعدام و تسری دادن آن به نوجوانان اند. مدافعان همیشگی سیاست های میلیتاریستی آمریکا هستند. اساسا مرتجع، نژاد پرست و خارجی ستیز و دشمن فقرا هستند. زیر دست اینها مردم آمریکا همواره از فقر و بیماری تلف شده اند و می شوند. در آنطرف سمبل و بستر اصلی جنبش پروچویس، طرفدار انتخاب، حزب دموکرات آمریکا و امثال کلینتون هستند که همین چندی پیش یک حمله بیشرمانه وسیع به مادران مجرد را سازمان داده و ۴ میلیون کودک آمریکایی را به خانه بدوشی و سوء تغذیه و زندگی زیر خط فقر محکوم کرده اند. مسخره است وقتی اجازه سقط جنین را حق انتخاب نام می گذارند. این آخرین انتخاب هر آدمی است. اینها قبلا انتخاب رفاه، انتخاب برابری اجتماعی و حرفه ای زن، انتخاب اشتغال و ادامه تحصیل، انتخاب امنیت اقتصادی و حرمت اجتماعی، و حتی انتخاب رابطه جنسی ایمن را از زن سلب کرده اند، بعد لب پرتگاه این اختیار را به او می دهند که میان پرت شدن و خود را پرت کردن خودش انتخاب کند. برآستی زنی که سقط جنین را "انتخاب" میکند چقدر باید از اینهمه اختیاری که جامعه به او داده است خوشنود و سپاسگزار باشد! به این دلیل اگر از من بپرسند خود را پروچویس معرفی نمی کنم. این یک اسم گذاری ریاکارانه و عوامفریبانه است. من خود را مدافع قانونی شدن سقط جنین تا دوازده هفتگی و مخالف عمل سقط جنین معرفی می کنم.

ثریا شهابی: برنامه خواهان قانونی بودن سقط جنین تا ۱۲ هفتگی است. این حد ۱۲ هفتگی، نحوه و شاخصهای تعیین آن بحثهای زیادی بدنبال داشته است. بعضی ها تصور می کنند که لابد از نظر برنامه تنها از این سن می توان جنین را انسان نامید و باین خاطر است که سقط آن از این سن بعد - بجز در موارد استثنایی که برنامه به آن اشاره کرده - غیر قانونی می داند. می خواهم بگویم که در مورد سن جنینی که می توان آن را سقط کرد، برداشت های متفاوتی وجود دارد. برخی تصور می کنند تا پیش از این سن چون جنین به اندازه کافی کامل نیست و نمی تواند جدا از بدن مادر زندگی کند، انسان محسوب نمی شود.

منصور حکمت: بحث دوازده هفتگی در برنامه ما ربطی به مقطع

شروع حیات یا قابل دوام بودن زندگی جنین در بیرون رحم (که برای برخی مقطع مستقل شدن هویت جنین از مادر محسوب می شود) ندارد. به این نکات بعدا می پردازم. واضح است کسی مثل ما که عمل سقط جنین را فی نفسه غیر انسانی می داند و از قانونیت آن بعنوان یک الزام ناگوار اجتماعی و شر کمتر دفاع می کند، گرایش به این دارد که دوره سقط جنین مجاز هرچه کمتر باشد. از طرف دیگر قانون باید عملا برای زنان راهگشا باشد و فرمالیته نباشد. از نظر پزشکی و جسمی باید فرصت برای تشخیص حاملگی و تصمیم گیری و برنامه ریزی برای عمل وجود داشته باشد. واقعیت اینست که از نظر پزشکی سقط جنین زود تر از موعد معینی غیر عملی و حتی خطرناک است. بنابراین فرجه باید به اندازه کافی وسیع و در عین حال در حد امکان محدود باشد. مینیمم کردن مهلت با فرض شرایط و مقدمات پزشکی و اجتماعی، این صورت مساله برای ماست. در تعیین مهلت سقط جنین مجاز ما تشخیص خود را ملاک نگذاشتیم. بلکه در دنیای بورژوایی موجود به نمونه های انسانی تر و دلسوز تر نگاه کردیم و اعداد خود را از آنها گرفتیم. مهلت در اسکاندیناوی ۱۲ هفته است (در بخشهایی از بلوک شرق سابق هم مهلت تا دوازده هفتگی بود. همینطور در آلمان، اتریش، بلژیک یونان، ایسلند و برخی کشورهای دیگر). ما هم همین را ملاک قرار دادیم. بنظر می رسد اعتراض قابل ذکری علیه این مهلت و به نفع افزایش آن در کشورهای اروپای شمالی در جریان نیست. ظاهرا می شود مهلت را ۱۲ هفته قرار داد، کیسه برنج و سقط جنین زیر زمینی هم نداشت و به یک تعادل سیاسی بین خواست آزادی سقط جنین و حمایت هرچه بیشتر از جنین رسید. چرا کمتر نه، به این دلیل که ما بررسی آماری و تحلیلی ای از عواقب کاهش مهلت به یازده هفتگی نداریم و در هیچ مباحثه و دیالوگ اجتماعی عملی بودن و کارساز بودن عدد کمتری را نشان نداده ایم. فعلا ابزار این کار را نداریم. بنابراین به کوچک ترین عددی که یک کشور سرمایه داری واقعا موجود بدست داده است متوسل می شویم. اگر کسی بگوید چرا سیزده هفته و یا بیشتر نه، آنوقت جواب من این خواهد بود: اگر ۱۲ هفته برای جامعه سوئد خوب و عملی است برای برنامه ما هم خوب است. بگذارید آنها که می خواهند مهلت را اضافه کنند استدلالات و انتقادات خود را نه در مقابل برنامه ما، بلکه در مقابل سیستم رایج در اسکاندیناوی بیان کنند. ما هم گوش می دهیم و اگر حقانیتی در این خواست باشد حتما متوجه خواهیم شد.

در مورد مقطع حیات و مقطع استقلال هویت جنین از مادر طبعا من فقط می توانم نظر شخصی خودم را بگویم. واضح است که برنامه یک حزب جای چنین اظهار نظرهایی نیست. از نظر بیولوژیک مقطع شروع حیات انسان جدید بنظر من لحظه شروع حاملگی است. یعنی وقتی کلید یک روند جدید بیولوژیکی زده می شود و تقسیم سلولی آغاز می شود. این شروع پیدایش یک انسان جدید و معین است. تحصیلات عالی و دکترای بیولوژی نمی خواهد برای اینکه کسی بفهمد بعد از حاملگی اگر مشکلی پیش نیاید این روند به یک آدم معین در بیرون رحم منتهی می شود. اینکه روزهایی از این زندگی این انسان بدور از چشمان غیر مسلح اقوام در بدن مادرش طی شده چیزی را در مورد نقطه شروع آن عوض نمی کند. این تصور که در یک لحظه در مقطع خاصی روح انسانی در وجود این توده سلولی

## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

دمیده شده است دلخواهی تر و مذهبی تر از آنست که بشود پذیرفت. اما همانطور که گفتیم بحث ۱۲ هفتگی از نظر من ربطی به این سوال ندارد. هر جا این روند قطع بشود، روند تکامل یک انسان جدید قطع شده است. درست است، اینکه این جنین از چه مقطعی دست و پا و سر و قلب دارد (که بسیار قبل از ۱۲ هفتگی است) بطور طبیعی بر ذهن هر انسانی سنگینی می کند. بنظر من بهمین دلیل گسترش روشهای عکسبرداری کمک می کند مردم پیوستگی رو به عقب آدمی را ببینند و بیشتر حس کنند و سقط جنین روز به روز به عمل ناگوار تری برایشان تبدیل شود. اما در بحث ما در مورد مهلت ۱۲ هفتگی این فاکتورها نقشی ندارند. سقط جنین در ۶ هفتگی و ۹ هفتگی هم از نظر ماهوی همان واقعیت است. بریدن روند تکامل انسانی است که عمر خود را شروع کرده است.

موضوع دیگر، یعنی بحث استقلال جنین از مادر، بحثی است به شدت حقوقی که مهر سیستم حقوقی عصر مالکیت و محوریت فرد را بر خود دارد. از نظر مادی، از نظر قدرت بقاء، ما حتی بیرون رحم از هم مستقل نیستیم. وقتی کسی تنها در کوه و بیابان و جزیره ای رها می شود، میروند "نجات" اش می دهند و به جمع انسانی برش می گردانند. بحث استقلال از مادر در واقع بحث استقلال هویت حقوقی جنین از مادر است نه قدرت بقاء آن بدون مادر، که می تواند بسته به تکنیک موجود متغیر باشد. جامعه سرمایه داری واحد پایه برای تعریف حق را فرد تعریف کرده است. فرض اینست که از مقطعی که جنین مستقل از مادر تعریف شود، بعنوان یک انسان دیگر صاحب حقوق فردی خویش خواهد بود. آنوقت در این سیستم حقوقی، حقوق مادر و جنین بعنوان دو فرد مستقل در یک قلمرو مکانی و جسمی واحد با هم تعارض پیدا می کنند. برای مثال اگر جنین یک انسان دیگر است آنگاه نابودی اش از چشم قانون در این جامعه قتل نفس محسوب می شود. اینجاست که این ذهنیت باید بگردد و لحظه استقلال را پیدا کند. یکی که خود را مدافع حقوق زن می داند باید درست مانند یک وکیل ارقه آمریکایی در دعاوی مالی، لحظه استقلال جنین را عقب بیاندازد و به ساعت تولد نزدیک کند: جنین "بخشی از بدن مادر است"، زن می تواند راجع به "بدن خود" هر تصمیمی بگیرد. زمانی بود که کشتن کودک قبل از قطع بند ناف قتل محسوب نمی شد، چون جنین هنوز موجود "مستقلی" به حساب نمی آمد. بهر حال این فرمولبندی های یک جناح است. جناح مقابل که مدعی است وکیل کودک متولد نشده است، برعکس وظیفه خودش می داند که لحظه استقلال را جلوتر ببرد و قابلیت جنین را برای خروج از رحم و ایستادن روی پای خود به ثبوت برساند. بنظر من کل چهارچوب این بحث را نباید پذیرفت. چرا بشریت نمی تواند به این پروسه

باشکوه و خیره کننده، به کل این پدیده حاملگی و تولد، بعنوان شکل کنکرت پیدایش یک انسان جدید نگاه کند و تمام واقعیات این پروسه را در ترکیب با هم ببیند. چرا باید فرمول تضاد مادر و جنین، جدال بر سر مرزهای مالکیت طرفین بر سلولهای جفت و رحم و جنین را پذیرفت؟ چرا باید درک انسان از پدیده ای چنین بنیادی، ابدی و ازلی بر مقولاتی چنین دورانی و گذرا، نظیر مالکیت و تئوری لیبرالی فردیت بنا شود؟

ثریا شهابی: برخی دیگر - بخصوص برخی از فمینیستها - حزب را متهم می کنند که چون جنین را انسان می داند، باید نتیجتاً همچون مذهبیهون اسپرم - و تازه نه هم اسپرم و هم اوول - را هم مقدس بداند و منشا حیات! اینها نتیجه می گیرند که پس بنابراین طبق نگرش برنامه، اساساً باید مخالف هر نوع جلوگیری از بارداری بود.

منصور حکمت: اسپرم، و جسارتا اوول هم، تقدس خاصی ندارد. بحث خیلی روشن بر سر موجود جدیدی است که با ترکیب این دو بوجود آمده و رشد خود را شروع کرده است. اما بحث احترام به حیات انسانی بحثی بیولوژیک نیست. بحثی فلسفی است. یا بهتر بگویم، احترام به حیات بیولوژیک انعکاس احترام فلسفی به حیات است. احترام به پتانسیل و محتوای حیات انسانی. این احترام نشان تعقل بشر است و نه توکل و خرافه مذهبی. اگر حیات انسانی در هر شکل بی حرمت شود، حیات انسانهای کنکرت، انسانهای واقعا موجود، بی ارزش می شود. حیات انسانی تقسیم پذیر و درجه بندی پذیر نیست، ربطی به استقلال و تحرک و سن و شعور و رنگ و جنسیت و ملیت و زمان و مکان و سالم و معلول بودن انسانها ندارد. بحث ما، لااقل بحث من بعنوان نویسنده برنامه حزب، این نیست که ما باید تخمک های بارور شده و سلولهای در حال تقسیم را "مقدس" بدانیم. بحث من اینست که جامعه ای که در آوردن جنین از شکم مادر و بریدن روند زندگی ای که شروع شده را تحمل می کند و بلامانع می داند، و چه بسا روی آن بعنوان راه جلوگیری از گسترش جمعیت، شرط ادامه تحصیل زن، شرط اجتناب از فقر و غیره، حساب هم می کند، ارزشی برای انسانهای سقط نشده اش قائل نیست. بی ارزشی جنین انعکاس بی ارزشی ماست و این بی ارزشی را تحکیم می کند. روزی اعقاب ما تمدن ما را مطالعه خواهند کرد و از رسم سقط جنین حیرت خواهند کرد. همانطور که ما از قربانی کردن جوانها در پیشگاه رب النوع های مختلف و سوزاندن "ساحره" ها که در روز خود به همین اندازه برای پاسخگویی به قحطی و خشکسالی و تتگناهای اقتصادی و معنوی جامعه ضروری بنظر می رسیدند، حیرت می کنیم. آنها هم این رسم را نشان توحش ما و بی ارزشی انسان در زمانه ما خواهند دید. و در پاسخ نکته آخر بگذارید پیرسم چه کسی بیشتر برای تکامل و گسترش روشهای جلوگیری دل خواهد سوزاند، آنکه می خواهد از سقط جنین بعنوان یک عمل ناگوار اجتناب شود، یا کسی که به سقط جنین بعنوان یک راه حل بی عیب و قابل قبول دیگر برای بچه دار نشدن و کنترل جمعیت نگاه می کند؟

ثریا شهابی: در فردای تحولات سیاسی ایران وقتی مطالبات برنامه حزب کمونیست کارگری ایران بشکل قانون به

## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

تصویب برسد و سقط جنین قانونی بشود، به احتمال زیاد آمار سقط جنین فوراً به مراتب بالا می‌رود. تصویب قانون آزادی سقط جنین یک اقدام فوری است و دولت موظف به اجرا و رعایت آن است، در حالی که آموزش وسیع راههای جلوگیری، آموزش جنسی و فراهم کردن امکانات رابطه جنسی ایمن پروسه طولانی تری است که زمان می‌خواهد. آیا این ازدیاد فوری آمار سقط جنین با هدف برنامه که کاهش موارد سقط جنین است تناقض ندارد و آیا مخالفان سقط جنین محق نیستند به این خاطر به اجرای فوری این بند برنامه انتقاد کنند؟

منصور حکمت: اولاً، اینکه آمار جنین‌های سقط شده حتی در کوتاه مدت بالا می‌رود مسجل نیست. بنظر من بالا نمی‌رود، چون شاخصهایی که باید باهم مقایسه کرد آمار عمل سقط جنین قبل و بعد از قانونی شدن نیست، بلکه باید مجموع سقط جنین‌ها (چه رسمی و چه مخفیانه) و "بچه انداختن"‌ها توسط خود مادر را در دو دوره با هم مقایسه کرد. موارد انداختن بچه توسط خود مادر، از طریق بار بلند کردن، خود را پرت کردن و غیره در ایران بشدت بالاست تا جایی که این عمل بخشی از فولکلور این کشور است. این موارد "سقط جنین"، هیچ‌جا ثبت نمی‌شود. قانونی شدن سقط جنین آمار مراجعه به پزشک برای سقط جنین را بالا می‌برد اما در عوض آمار این نوع بچه انداختن‌ها را کمتر می‌کند. از طرف دیگر کم شدن موارد بچه انداختن یا سقط جنین‌های مخفیانه به نفع سقط جنین قانونی کمک می‌کند که این زنان در تماس با مقامات و نهادهایی قرار بگیرند که مطابق برنامه ما، قصد کمک و حمایت مادی و معنوی از آنها را دارند و یکی از کارهای این نهادها تلاش برای تشویق مادر به بدنیا آوردن نوزاد و توضیح حقوق مادر و کودک و وظایف دولت و جامعه در قبال آنهاست. قابل تصور است که درصدی از زنانی که مراجعه می‌کنند حاضر بشوند از سقط جنین صرفنظر کنند. خلاصه من لزوماً تخمین آماری تو از نتیجه قانونی شدن سقط جنین را محتمل نمی‌دانم.

ثانیاً، همانطور که گفتی برنامه ما فقط شامل قانونی شدن سقط جنین نیست، بلکه حاوی اقدامات فوری و حیاتی‌ای برای ایمن کردن روابط جنسی و گسترش کاربست لوازم جلوگیری است. قبول داریم، اینکه رابطه جنسی آزاد و ایمن به یک جزء ثابت و مسجل فرهنگ جامعه تبدیل بشود حتماً زمان می‌خواهد. اما چندین برابر شدن استفاده از وسائل جلوگیری، استفاده وسیع‌تر از کاندوم و آی.یو.دی، وقتی تامین رایگان اینها سیاست دولت باشد، زمان زیادی احتیاج ندارد. آمار حاملگی‌های ناخواسته را بسرعت می‌شود پائین آورد. وقتی صحبت برقراری روشها و معیارها و نرم‌های مدرن در ایران می‌شود، خیلی‌ها فوراً

تصویر ساکنان دهات پرت افتاده را از مردم ایران می‌دهند و می‌نالدند که مردم "فرهنگش را ندارند". اما ایران یک جامعه عمدتاً شهری است. اکثریت عظیم این مردم جوانانی‌اند که مدرسه می‌روند و حتی اگر ساکن دهات دورافتاده هم باشند، دلشان و فکرشان پیش شهر و الگوهای امروزی زندگی است. مردم ایران "ملت" روزنامه توفیق و "امت" جماعت خمینی نیستند. اعضای یک جامعه سرمایه‌داری در انتهای قرن بیستم و در کوران تحولات فنی و ارتباطاتی این عصرند. کمپین آموزش جنسی و گسترش امکانات جلوگیری در ایران بنظر من با راندمان بسیار بالایی در ایران جلو خواهد رفت. یک واقعیت را البته باید در نظر داشت. این امر بدون مبارزه قاطع با اسلام‌یون و قشریون عملی نیست. جریانی می‌تواند این برنامه را اتخاذ کند که از نظر سیاسی به یک مبارزه قاطع با تعصبات مذهبی و قشریگری متعهد باشد. و این قبل از هرکس کار طبقه کارگر و کمونیست‌هاست.

در هر حال کاهش موارد سقط جنین در گرو دو عامل اصلی است. اول گسترش روابط جنسی ایمن و دسترسی عموم به امکانات رایگان و مناسب جلوگیری و دوم مبارزه با مردسالاری و زن ستیزی نه فقط در افکار بلکه در مناسبات و روابط اجتماعی و اقتصادی، به نحوی که بارداری و زایمان و مادر شدن کوچکترین تاثیر منفی‌ای در موقعیت اقتصادی و اجتماعی و شغلی و معنوی زن در جامعه و خانواده نداشته باشد و بچه دار شدن به یک انتخاب آزاد و فکر شده مردم و یک واقعه خوشایند در زندگی آنها تبدیل شود. قانونی شدن سقط جنین یک رکن یک سیاست همه‌جانبه برای تحقق این هدف است و باید در کل این مجموعه نگریسته بشود و نه بعنوان یک اقدام منفرد و قائم بذات.

ثریاً شهبانی: برنامه حزب سقط جنین را "از میان بردن عامدانه جنین انسانی" دانسته است و خودت هم در صحبت‌هایت اشاره کردی که سقط جنین در هر سنی "بریدن روند تکامل انسانی است که عمر خود را شروع کرده است". کسانی از این توصیف نتیجه می‌گیرند که پس انجام سقط جنین از دیدگاه برنامه حزب یک جنایت است و مادری که رای به چنین عملی می‌دهد در موقعیت یک جانی قرار می‌گیرد که مرتکب قتل عمد شده و این منصفانه نیست.

منصور حکمت: از این گفته که سقط جنین بریدن روند تکامل انسانی است که حیات خود را شروع کرده، تا این ادعا که مادر مرتکب قتل عمد یا جنایت شده است یک دنیا فاصله است. چسباندن اینها بهم نه نشان تلاش صمیمانه برای فهم مساله است و نه تبلیغ کارسازی است علیه فرمول‌بندی برنامه ما. این سفسطه‌گری است. بنظر من کسی که عمل سقط جنین را از نظر اصولی عمل بی‌عیبی می‌داند باید همین را بگوید و صراحتاً از همین دفاع کند. از قول دیگران بخود اتهام زدن و بعد برافروخته شدن جواب مساله نیست. منتها این نوع اعتراض یک چیز را می‌رساند: معنی این اعتراض اینست که اگر روزی به منتقد مربوطه ثابت شود که کودک امتداد طبیعی جنین و جنین آغاز ناگزیر یک انسان است، آنگاه خود او سقط جنین را قتل و جنایت خواهد دانست. و این موضع محکمی برای یک مدافع سقط جنین نمی‌تواند باشد.

بهررو، بنظر من اطلاق جنایت یا قتل به سقط

## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

آمریکا رای به محکومیت و اعدام متهمی می دهد قاتل بخوانم چون جامعه، و لاجرم خود آنها، این تعریف را از کارشان ندارند. زنی که اقدام به سقط جنین می کند یقیناً از نظر خود جنین را یک انسان، یا یک انسان کامل، نمی داند و تصویری منفی از عمل سقط جنین از فرهنگ و قوانین جاری در جامعه نمی گیرد.

بهر حال همانطور که گفتم ما سقط جنین را قتل و جنایت ننمایدیم، و خواستار قانونی شدن آن در حدی فراتر از قوانین آمریکا و اروپای غربی شده ایم. اما اینکه جنین مرحله ای از زندگی یک انسان معین است که فی الحال پا به حیات گذاشته است یک حقیقت است. اگر این حقیقت باعث عذاب وجدان کسی در سقط جنین می شود، تقصیر ما نیست. این انتظار که ما برای آسایش خاطر کسانی که قصد سقط جنین دارند این حقیقت را از ذهن خود پاک کنیم و مثلاً وانمود کنیم بچه را "حاجی لک لک" میاورد کمی زیاده روی است.

ثریا شهابی: در برخی کشورها، مثلاً انگلستان، صدور اجازه سقط جنین به انتخاب دکتر واگذار شده است تا بر اساس تشخیص سلامت جسمی و روحی مادر این اجازه را صادر کند و این امر مورد اعتراض پزشکان زیادی قرار گرفته است. در برنامه حزب کمونیست کارگری اجازه سقط جنین به انتخاب مادر واگذار شده است. "اجازه دکتر" یا "انتخاب مادر"؟ این تقابل کجای بحث برنامه حزب قرار می گیرد. منظورم این است که آیا واگذاری اجازه سقط جنین به اجازه دکتر در بحثهای مربوط به سقط جنین در برنامه جایی داشت و اگر نداشت چرا؟

منصور حکمت: مقوله اجازه دکتر، مگر برای سقط جنین بعد از دوازده هفتگی، از ابتدا در نوشتن متن برنامه مطرح نبود، چون صورت مساله، آنطور که واقعا در همه کشورها مطرح است، اختیار و انتخاب زن است. جنبش قانونی شدن سقط جنین جنبشی برای دادن این حق و این انتخاب به زن است. بحث تشخیص دکتر دائر بر خطر صدمه جسمی و روحی حاملگی برای زن، شیوه ای است که در برخی کشورها سعی کرده اند سقط جنین را عملاً قانونی کنند بی آنکه رسماً روی مجاز بودن این عمل صحه بگذارند. بخصوص کلمه "خطر صدمه روحی" به این منظور وارد شده است که جای تفسیر را باز بگذارد و عملاً به پزشک اجازه بدهد که به خواست زن برای سقط جنین مهر تأیید بزند. این سیستمی است که امروز در انگلستان برقرار است. از نظر عملی سقط جنین در انگلستان مقدور است و به خواست زن صورت میگیرد. اما از نظر حقوقی این پزشک است که تصمیم می گیرد. اگر پزشکی درخواست زن برای سقط جنین را تأیید نکند، که البته گاه اتفاق میافتد، زن به دکتر دیگری مراجعه می کند و تأییدیه را از او می گیرد. این روش ریاکارانه امروز هم صدای مردم و هم پزشکان را در آورده است. اگر دکتر کسی مخالف سقط جنین باشد، دوندگی زیاد و احتمالاً حتی تاخیر جدی در انجام عمل را به او تحمیل می کند. بعبارت دیگر بسته به معیارهای اخلاقی پزشک محل، شهروندان انگلستان از حقوق و امکانات متفاوتی در امر سقط جنین برخوردارند. از طرف دیگر، پزشکان بدست اعتراض می کنند که عمل آنها یک تشخیص پزشکی نیست، بلکه

جنین (در محدوده زمانی ای که در قوانین امروز اروپا رایج است) درست نیست. چون جنایت و قتل یک مقوله حقوقی است و تعریف اجتماعی دارد و نه شخصی. هرکس را باید در متن نرم ها و سنتهای جامعه معاصرش قضاوت کرد. جامعه به همه اشکال از بین بردن انسانها در عصر ما قتل اطلاق نمیکنند. واقعیت اینست انسانها در اشکال بسیار متنوعی دارند یکدیگر را در این جهان از حق حیات محروم می کنند. سربازی که در جنگ آدم می کشد، عضو هیات منصفه ای که رای به حکم اعدام کسی می دهد، دکتری که از سر ترحم مرگ بیمار محتضری را جلو میاندازد، دولتی که بیمه درمانی را کاهش می دهد و دقیقاً می داند آمار مرگ و میر چقدر بالا خواهد رفت، کسی که در ایمنی نیروگاه اتمی با علم به افزایش آمار سرطان خون در کودکان محل صرفه جویی می کند، رئیس جمهوری که حکم بمباران جایی را صادر می کند، چریک یا تروریستی که بمب می گذارد همه و همه آگاهانه در بیجان کردن انسانهای واقعی شرکت می کنند. اما جامعه لزوماً همه این اعمال را قتل و همه عاملین آنها را قاتل نمی شمارد. تلقی شخصی ما می تواند با تلقی جامعه متفاوت باشد. تلقی شخصی ما می تواند مبتنی به اصول انسانی مطلق و تفسیر نابرداری باشد. اما تلقی جامعه از اینکه جنایت چیست نسبی و از نظر تاریخی مشروط و متغیر است. زمانی بود که کشتن فرزند و همسر توسط مرد جنایت محسوب نمی شد. آقای ابراهیم خلیل در اسلام و یهودیت در روز روشن قرار بود فرزند خود را در یک عملیات شنیع خدانشناسانه سربربرد که خوشبختانه بقول سیاوش مدرسی در آخرین لحظه معلوم می شود خداوند شوخی کرده و قصد آزمون ایشان را داشته. در همین دنیا در گذشته ای نه چندان دور کشتن اسرای جنگی و بردگان جرم نبود. تا دهه هفتاد همین قرن ما بدار کشیدن و باصطلاح لینچ کردن سیاهان توسط نژادپرستان سفید در آمریکا قتل محسوب نمی شد. کسی ترومن را بخاطر کشتار هیروشیما و ناکازاکی قاتل شمرده است. در آمریکا به اسم این آدم کتابخانه هست. تلقی اخلاقی و حقوقی جامعه از یک عمل انعکاسی از حساسیت معنوی و عاطفی جامعه نسبت به آن امر در آن عصر خاص است. این حساسیت حتی در یک دوران واحد در حوزه های فرهنگی مختلف متفاوت است. این حساسیت و این واکنش اخلاقی و عاطفی، و لاجرم نتایج حقوقی آن، ابدی نیست و عوض خواهد شد. خیلی از اعمال و روشهای امروز ما حال نسلهای بعد را بهم خواهد زد. اما این تحول در شناخت و برداشت عاطفی جامعه از مسائل باید بطور واقعی و در طول نسلهایی از انسانهای واقعی رخ بدهد. من شدیداً مخالف مجازات اعدامم، بنظر من مجازات اعدام ماهیتاً آدمکشی عمادانه با نقشه قبلی است. اما نمی توانم به میل خود هیات منصفه ای را که در



## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

یک راهگشایی اجتماعی برای زنان است. کاری که می بایست وظیفه قانون باشد. این موقعیت غیر اخلاقی و ریاکارانه ای را به پزشکان، چه موافق و چه مخالف سقط جنین، تحمیل کرده. می گویند اگر سقط جنین عملی قانونی است، انتخابش نیز باید با خود زن باشد. موضع ما هم همین است.

ثریا شهابی: پیشتر گفتمی اطلاق "حق انتخاب" به اجازه سقط جنین چیزی مثل دادن انتخاب پرت شدن یا خود را پرت کردن از لب پرتگاه است. بعضی از فمینیستها و طرفداران حقوق زنان معتقدند که حق سقط جنین یکی از مهمترین حقوقی است که به زن امکان انتخاب می دهد. انتخاب مادر شدن و نشدن، و انتخاب زمان مادر شدن.

منصور حکمت: من با تلقی بخش اعظم جنبش فمینیستی از هویت اجتماعی زن و خودآگاهی زن مشکل دارم. اینها زن را یک صنف و یا قوم اقلیت تصویر می کنند که باید حق صنفی اش را بگیرد و پی کارش برود و کاری به دنیا و اعمال کنترل بر سرنوشت جهان و جامعه انسانی نداشته باشد. بنظر من در بحث سقط جنین زن یک اقلیت شاکی و محروم نیست که قرار است جیره حقه اش را بصورت اجازه سقط جنین بگیرد و برود و کاری به مسائل اجتماعی، معنوی، فلسفی و تاریخی این معضل نداشته باشد. در تصویر اینها در بحث سقط جنین زن همیشه فقط در قامت مشتری حامله کلینیک ظاهر می شود، نه رهبر جامعه، نه فیلسوف و ایدئولوژی که باید بالاخره راجع به حیات و هویت انسانی جنین و حرمت آدمی و غیره اظهار نظر کند، نه انسانی که جدا از جنسیتش می تواند راجع به این مسائل نظر داشته باشد و امر داشته باشد و بخواهد دنیا را به سمت خاصی ببرد. زن در مکتب اینها حامله ای است که نمی خواهد حامله باشد و کاری به این مسائل دیگر ندارد. این فمینیسم بنظر من روی دیگر سکه مردسالاری ای است که آنهم زن را از دخالت در این عرصه ها باز میدارد.

در پاسخ سوال تو، برای زنی که صرفاً جزو اقلیت باردار جامعه نیست و بعنوان یک انسان به مساله جامعه و حیات و حرمت انسانی و برابری اجتماعی می پردازد، اجازه سقط جنین حق انتخاب زیادی نیست. آزادی سقط جنین مثل قرص سیانوری است که چریکها زمان شاه با خود داشتند. امکانی برای یک خروج دردناک از واقعه ای دردناک تر. اجازه سقط جنین از جنس اجازه خودکشی است. آزادی سقط جنین اجازه نابود کردن جنین خود برای اجتناب از عواقب ناگوار فرزند داشتن در جامعه موجود است. آزادی سقط جنین لازم شده چون قبلاً آزادی های انسانی متعددی از زن سلب شده است. حق برخورداری از دانش جنسی. آزادی استفاده از وسائل جلوگیری صد درصد

ایمن. آزادی خلاصی از اخلاق مذهبی و مردسالارانه در مناسبات جنسی، آزادی رابطه جنسی باز و آزاد که زن در آن بر رفتار جنسی خود اختیار کامل داشته باشد، آزادی داشتن فرزند و حفظ موقعیت اقتصادی و شغلی خویش، آزادی داشتن فرزند بدون اجبار به ازدواج و زندگی مشترک با مرد، زیر فشار اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی. آزادی بهره گیری از امکانات رایگان و مناسب برای نگاهداری کودک. آزادی داشتن فرزند و داشتن زندگی اجتماعی. حق مصون بودن از تجاوز جنسی چه در خانواده و چه بیرون آن. آزادی انتخاب مادر شدن بدون فدا کردن زندگی و رفاه و سعادت خود بعنوان یک زن و یک انسان. آزادی مادر شدن و تامین رفاه و بهداشت و آموزش و تفریح فرزند خویش.

در غیاب این حقوق است که زن خود را در موقعیت "انتخاب" سقط جنین پیدا می کند. راجع به یک نکته هم باید روشن بود. نفس حامله شدن زن بر خلاف میلش، به این معناست که نتوانسته اراده خود را برای مادر شدن و نشدن و انتخاب زمان مادر شدنش در خود همان پروسه ای که آدم طی آن حامله می شود، یعنی رابطه جنسی، اعمال کند. اگر بناست زن بر مادر شدن و زمان مادر شدنش کنترل و انتخاب داشته باشد در قلمرو رابطه جنسی انتخاب و کنترل داشته باشد. این یعنی داشتن دانش جنسی، دسترسی به وسائل جلوگیری ایمن و حضور در یک رابطه جنسی برابر و آزاد و داوطلبانه و بدور از هر نوع تحمیل و تمکین چه مستقیم و چه غیر مستقیم. بیجان کردن جنین قطعاً از مادر شدن زن جلوگیری خواهد کرد، اما زنی مادر نشدنش را به این شیوه "انتخاب" می کند که قبلاً نتوانسته باشد آزادانه زن بودنش را تجربه کند.

ثریا شهابی: برخی معتقدند هر فرمولبندی که حق سقط جنین را نه "مثبت" بلکه "منفی" ارزیابی کند، محدود کننده این حق است و عملاً زنان را به حفظ جنین تحت هر شرایطی سوق می دهد. می گویند این بند فضای اخلاقی علیه این کار درست می کند که به نفع زنان نیست و دست کلیسا و مذهب را در محدود کردن حق انتخاب زن باز می گذارد.

منصور حکمت: این نمونه همان تبدیل کردن زن به یک صنف اقلیت تحت الحمایه و صغیر است که گفتم. اینها می خواهند زن حتی از دائره بحث راجع به ماهیت انسانی و فلسفی سقط جنین بیرون و معاف باشد، نگوید و نشود. می خواهند "صنف زن" را حتی از تیررس حقیقت دور و مصون بدارند. تازه در همان دنیای جداسازی شده صنف زنان هم معلوم نیست چرا برای آرامش خاطر و راحتی وجدان آن زنانی که سقط جنین می کنند، باید آن زنانی که معتقدند سقط جنین بهرحال عملی ناگوار است که باید جامعه روزی از آن خلاص شود، ساکت شوند و خود را نسبت به یکی از مهم ترین معضلات فکری تاریخ بشریت به بی نظری و بیعلاقگی بزنند. اگر سقط جنین یک حق است، جستجو و بیان حقیقت هم حق دیگری است. زن ها در هر دو اینها دینفعند. حتی اگر برخی فمینیستها دینفع نباشند.

در مورد مساله کلیسا، این را زیاد می شنویم که اظهار نظر منفی برنامه نسبت به نفس عمل سقط جنین، علیرغم خواست قانونی شدن آن، آب به آسیاب کلیسا و راست مذهبی می ریزد.

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

رفتار بازجو گفتند چرا باید همسر من چهار روز در اعتصاب غذا باشد ما و خانواده اش بی خبر باشیم. اطلاع رسانی هیچ ربطی به من و خانواده ما ندارد، همکاران و دوستان همسر مرتب جویای حال همسر هستند و از خانواده ما پیگیر سلامت ایشان هستند

### اعتصاب غذای مجدد محمدعلی زحمتکش از معلمان و فعالین صنفی زندانی

او با اینکه به شدت بیمار است از روز هفتم تیر ماه اعتصاب خشک‌تر را در تداوم هم در زندان عادل آباد شیراز آغاز کرد. محمد علی زحمتکش بازرس انجمن صنفی معلمان فارس که چند روز قبل به این دلیل که به او گفته شده بود در صورت ادامه اعتصابش، معلمان زندانی دیگر را به بندهای جدا از هم منتقل می کنند، به اعتصاب خود پایان داده بود، از روز هفتم تیر به علت انتقالش به بندی خطرناک و عدم تحقق وعده های داده شده، اعتصاب خود را مجدداً از سر گرفته است. آقای زحمتکش طی تماسی ضمن اعلام اعتصابش مصمم و استوار اعلام کرده است که این بار تا پای جان به اعتصابش ادامه می دهد.

ما در برنامه جامعه و کارگران که خود را همراه اعتراضات کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان و دیگر جنبشهای اعتراضی میدانیم، اعتصاب غذای فعالین عزیز زندانی را تاکتیک مناسب در مبارزه با حاکمیت رژیم اسلامی و زندانبانان جنایتکار میدانیم. ما در مبارزه با این رژیم جنایتکار باید مواظب سلامتی خود باشیم، اعتصاب غذا اولین ضربه‌ای به سلامتی خودمان است لذا به همه عزیزان اعتصابی توصیه میکنیم برای حفظ جان خود از تاکتیک اعتصاب غذا استفاده نکنیم و به اعتصاب غذای خود پایان دهید!

\*\*\*

# Capitalist poles' hands off people's lives!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

## گفتگو با منصور حکمت در باره سقط جنین،

### مصاحبه با نشریه همبستگی

استدلال فوق العاده ضعیفی است. نمونه عکس این را در بحث پورنوگرافی می شود دید. فمینیسم و کلیسا در قبال پورنوگرافی مواضع کاملاً همسویی دارند و حتی کنار هم در صف تظاهرات ظاهر می شوند. آیا می شود گفت اعتراض فمینیستها به پورنوگرافی دست کلیسا را برای افزایش فشار تاریخی اش بر زنان و جلوگیری از آزادی و ابراز وجود جنسی زن باز می گذارد؟ و آیا این همسوئی دلیل کافی برای ساکت شدن فمینیسم در قبال مساله پورنوگرافی است؟

ارزیابی منفی از نفس عمل سقط جنین فقط حرف ما نیست. حرف اکثریت عظیم مردم است. حرف اکثریت عظیم خود کسانی است که سقط جنین را "انتخاب" می کنند و می خواهند قانونی باشد. نظر مشخص مردم راجع به هویت انسانی جنین هرچه باشد، اکثریت عظیم آنها حس می کنند که این کار دردناک و نامطلوبی است و بهر حال با قطع حیات انسانی ربط دارد. این کلیساست که خود را به این عاطفه شریف انسانی می چسباند و می خواهد دکانش را به این اعتبار باز و پررونق نگاه دارد. اتفاقاً این بی عاطفگی، تقلیل گرایی بیولوژیکی و صنفی گرایی فمینیستی است که اجازه این ریاکاری و بلند کردن پرچم احترام به حیات را به مذهب یعنی یکی از مخوف ترین و ضد انسانی ترین نهادهای تاریخ بشر داده است.

\*\*\*

اولین بار در شماره های ۷۳ و ۷۴ نشریه همبستگی در اوت و سپتامبر ۱۹۹۷ منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۳۹۵ تا ۴۱۲

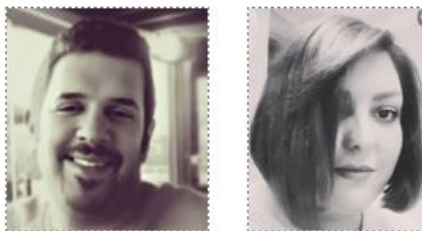
انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوئد 91-630-5761-1 ISBN

[hekmat.public-archive.net #1045fa.html](http://hekmat.public-archive.net #1045fa.html)

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم  
و مستمر کارگران است!  
مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی  
برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

کارگران، کمونیست ها، به حزب حکمتیست پیوندید!



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

**اعتصاب کارگران دستگاه حفاری ۳۷ فتح به دلیل کمبود غذا و آب آشامیدنی!**

کارگران قسمت دستگاه های حفاری ۳۷ فتح طی نامه ای در اعتراض به بیش از دو ماه کمبود مواد غذایی و آب آشامیدنی که فعالیت حفاری را در دمای بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد غیرممکن کرده، دست به اعتصاب زده اند. اعتصاب کنندگان طی نامه ای نوشتند: کارگران دستگاه ۳۷ فتح تاکنون با جان و دل در شرایط سخت دمایی و کمبود شدید مواد غذایی و بهداشتی همکاری کرده اند، اما ادامه حفاری بر روی سکو و دیگر بخش های عملیاتی نه تنها امکان پذیر نیست، بلکه سلامتی کارگران را به خطر می اندازد و امکان بروز حوادث جانی و مالی را فراهم می سازد. کارگران معترض خطاب به مسئولان، خواهان فراهم کردن شرایط رفاهی مناسب جهت ادامه کار و عملیات حفاری شده اند.

**ادامه اعتصاب کارگران داربست بند شاغل در پروژه های مختلف نفت**

کارگران داربست بند شاغل در پروژه های نفتی از روز چهارشنبه اول تیرماه ۱۴۰۱ در اعتراض به عدم تحقق خواسته های شان و مطابق فراخوان از پیش اعلام شده دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. کارگران پروژه های داربست بند شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی خواستار افزایش دستمزد به میزان لیست پیشنهادی خودشان و اجرای نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند.

**کارگران پروژه های شاغل در شرکت IGC دست به اعتصاب زدند**

روز شنبه چهارم تیرماه ۱۴۰۱ کارگران پروژه های پیمانکاری کرامت سلحشور شاغل در شرکت IGC در اعتراض به عدم تحقق خواسته های شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. بخشی از کارگران پروژه های شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی طی اعتصاب سراسری سال گذشته موفق به تحقق کامل خواسته های خود نشده بودند و در اعتراض به خلف وعده پیمانکاران و با تأکید بر افزایش دستمزد مطابق لیست پیشنهادی خود و اجرای نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت، فراخوان به شروع دور جدیدی از اعتصاب در روز ۵ تیرماه را اعلام کرده اند. کارگران پروژه های نفت با توجه به تورم شدید و گرانی های بی سابقه در ماه های اخیر، خواستار افزایش دستمزد به میزان لیست جدید پیشنهادی امسال هستند.

**کارگران عایق کار شاغل در پتروشیمی هنگام نیز دست به اعتصاب زدند**

روز یکشنبه پنجم تیرماه ۱۴۰۱ کارگران پروژه های عایق کار شاغل در پتروشیمی هنگام در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. بخشی از کارگران پروژه های شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی طی اعتصاب سراسری سال گذشته موفق به تحقق کامل

خواسته های خود نشده بودند و نسبت به خلف وعده پیمانکاران اعتراض دارند و بر افزایش دستمزد مطابق لیست پیشنهادی خود و اجرایی نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت تأکید دارند.

کارگران پروژه های نفت با توجه به تورم شدید و گرانی های بی سابقه در ماه های اخیر، خواستار افزایش دستمزد به میزان لیست جدید پیشنهادی امسال هستند.

**تجمع کارگران شهرداری حسینی خوزستان مقابل شهرداری**

روز یکشنبه پنجم تیرماه، کارگران شهرداری حسینی اندیشک بدلیل عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق با تجمع در مقابل شهرداری دست به اعتراض زدند.

**تجمع اعتراضی کارگران شرکت آذریارک**

کارگران شرکت آذریارک تبریز اعم از پارکبان و بازرس در اعتراض به تاخیر سه ماهه در پرداخت حقوق و عدم رعایت قانون کار و اعمال افزایش دستمزدها در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

**اعتصاب کارگران شرکت ایران افق دهلران**

صبح روز دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱ کارگران شرکت ایران افق (پایدار غرب آبان و تعمیرات چشمه خوش) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. با توجه به شرایط سخت اقتصادی و گرانی های کمر شکن حقوق ۵ ماهه رانندگان و ۳ ماهه کارگران پرداخت نشده است.

**کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران دست به اعتصاب زدند**

روز دوشنبه ششم تیرماه ۱۴۰۱ کارگران اورهال شاغل در پالایشگاه نفت تهران در اعتراض به افزایش اجباری ساعات کاریشان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

**تجمع سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی**

همچون دیگر یکشنبه های اعتراضی روز ۵ تیرماه ۱۴۰۱ و در ادامه آن تا روز پنجشنبه نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری ها، عدم اجرای کامل همسان سازی و عدم تحقق دیگر مطالباتشان به تجمع های خود در شهر های مختلف ادامه می دهند.

**ضرب و شتم یکی از کارگران معترض شرکت آهن آجین توسط نماینده تام الاختیار شرکت**

قربان اسکندر زاده کارگر شرکت آهن آجین شاغل در معدن مس سونگون روز جمعه سوم تیرماه ۱۴۰۱ در شهرستان اهر توسط ناصر نعمت پور نماینده تام الاختیار و مسئول امور اداری شرکت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در بیمارستان باقر العلوم اهر بستری شده است.

کارگران معدن از مدیران معدن سوگون و

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

فضای لابی و حیاط ساختمان این سازمان واقع در میدان ولیعصر اعتصاب کردند. هنوز هیچ مسئولی برای صحبت با کارکنان در جمع آنها حضور پیدا نکرده است و کارکنان که همچنان حقوق خود را بدون افزایش طبق فیش‌های فروردین پارسال دریافت می‌کنند نیز قصد بازگشت به پشت میزهای خود را ندارند

### واله زمانی را آزاد کنید

واله زمانی فعال کارگری در ۹ خرداد ۱۴۰۱ در پی پرونده سازی امنیتی بازداشت شد و هم اکنون با وجود بیماری حاد کبدی در زندان اوین بدور از دارو و درمان در بازداشت به سر می‌برد. جان واله زمانی در خطر است و باید هر چه سریعتر خارج از زندان تحت ادامه درمان قرار گیرد.

### محمد ایران نژاد جهت تحمل حبس راهی زندان اوین شد

محمد ایران نژاد روز یکشنبه ۵ تیرماه، جهت تحمل دوران محکومیت حبس خود، راهی زندان اوین شد. اوایل خردادماه امسال، محمد ایران نژاد توسط شعبه ۳۶ دادگاه فرمایشی تجدید نظر استان تهران از بابت اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در گروه‌های چپ مارکسیستی و تبلیغ علیه نظام" به ۳ سال و ۵ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

### امیرسالار داودی جهت تحمل حبس راهی زندان اوین شد

امیر سالار داودی، وکیل دادگستری روز یکشنبه ۵ تیرماه، جهت تحمل دوران حبس راهی زندان اوین شد. وی در آذرماه سال گذشته توسط شعبه ۳۶ بیدادگاه تجدیدنظر استان تهران مجموعاً به ۱۴ سال حبس محکوم شده بود. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۱۰ سال حبس تعزیری در خصوص وی قابل اجرا خواهد بود

### یک روز بعد از پدر-پسر هم به زندان رفت

امین و آرمان انصاری‌فر، پدر و برادر فرزند انصاری‌فر از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸، هر دو هم اکنون در زندان به سر می‌برند. امین انصاری‌فر جهت تحمل حبس ظالمانه، خود را به زندان معرفی کرده بود. سپس آرمان انصاری‌فر به زندان انتقال یافته است. آنها پیشتر توسط شعبه یک دادگاه "فرمایشی انقلاب" بندر ماهشهر به ریاست "قاضی" جنایتکار، مه‌ران مهمان‌نواز، هر یک برای اتهام "تبلیغ علیه نظام" به سه ماه حبس و پنج سال محرومیت خروج از کشور محکوم شده بودند. امین انصاری‌فر، او‌اخر بهمن ماه گذشته در پی احضار به دادرسی بهبهان و حضور وی در این مکان بازداشت شد و آرمان انصاری‌فر فرزند وی نیز اوایل اسفند ماه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بود.

**حسن سعیدی طی تماس کوتاه از بند ۲۰۹ که بطور ناگهانی قطع گردید، اعلام کرد چهار روز است در اعتصاب غذا بسر می‌برد و در انفرادی محبوس است**

روز پنجم تیرماه حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد طی تماسی کوتاه که با دخالت عوامل امنیتی قطع شد اعلام کرد چهار روز است در اعتصاب غذا بسر می‌برد و در انفرادی بند ۲۰۹ می‌باشد که با فریادی از پشت خط تلفنش قطع گردید، چند دقیقه بعد تلفن زنگ خورد و شخصی که خودش را بازجو حسن سعیدی معرفی کرده است. خانم نسرین رحیمی همسر این فعال سندیکایی در بند را تهدید کرد که اگر گفته‌های سعیدی درز پیدا کند و اطلاع رسانی شود حکم قضایی علیه شما می‌گیرم و برخورد خواهیم کرد. خانم رحیمی در اعتراض به

دادستان کل استان آذربایجان شرقی درخواست رسیدگی به این گستاخی بیشرمانه از طرف شرکت و تنبیه فرد یا افراد مرتبط را دارند. لازم به ذکر است که ۷۰۰ نفر پرسنل شرکت آهن آجین هم مانند شرکت‌های دیگر شاغل در معدن سونگون از ۱۵ ماه قبل نسبت به پایین بودن حقوق و مزایا تبعیض در پرداختی‌ها، اجرای طرح همسان‌سازی حقوق و طبقه بندی مشاغل معترض هستند که با گذشت بیش از یکسال از وعده‌های مدیر عامل مس و هم چنین دستور مستقیم "ریسی" هیچ موردی محقق نشده است و اخیراً هم مدیران معدن، شرکت‌ها و نهادهای اطلاعاتی اقدام به تهدید و بایکوت اعتراضات کارگری و ایجاد تفرقه بین کارگران می‌نمایند.

### فقدان ایمنی کار؛ مرگ یک کارگر در گرمسار

در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب روز چهارشنبه ۱ تیرماه ۱۴۰۱ کار یک کارگر ۲۵ ساله در گرمسار حین انجام کار در یک استخر ذخیره آب به عمق ۵ متر سقوط کرد و جان خود را از دست داد. این حادثه حوالی ساعت ۱۹ در یکی از واحدهای تولیدی واقع در شهرک صنعتی فجر گرمسار رخ داده است. "ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

### تجمع مربیان آموزشگاه‌های رانندگی در مشهد

شماری از مربیان آموزشگاه‌های رانندگی در مشهد، روز یکشنبه پنجم تیرماه، با توقف فعالیت‌های خود، اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. معترضان، نسبت به نرخ گذاری غیر عادلانه، پایین بودن دستمزدها و افزایش هزینه‌های نگهداری و تعمیر خودرو انتقاد داشته و خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شده‌اند.

### اعتراض کشاورزان قه دريجان نتیجه بخش بود

جمعه سوم تیرماه ۱۴۰۱، در پی اعتراض کشاورزان قه دريجان به بسته بودن کانال‌های آب کشاورزی، کانال‌های مسدود شده آب با سه روز تاخیر، بازگشایی شد. به گفته منابع محلی علت تاخیر سه روزه در بازگشایی کانال مسدود شده، اختصاص غیرقانونی سهمیه آب کشاورزان به صنایع فولاد و ذوب آهن و صنایع نظامی استان اصفهان بوده است. در پی عدم بازگشایی به موقع کانال‌های آب کشاورزی در استان اصفهان بسیاری از محصولات کشاورزی خشک شد و آسیب‌های مالی فراوان به کشاورزان استان اصفهان تحمیل شده است.

### اعتراض کارکنان سازمان صمت استان تهران

کارکنان سازمان صمت استان تهران صبح روز یکشنبه ۵ تیرماه ۱۴۰۱ با ترک اتاق کار خود در محوطه ورودی و حیاط این سازمان تجمع و اعتصاب کردند. کارکنان سازمان صنعت، معدن و تجارت تهران در اعتراض به عدم پرداخت اضافه حقوق سال جدید طی سه ماه نخست سال ۱۴۰۱ و همچنین حذف اضافه‌کاری خود از فیش‌های حقوقی دست از کار کشیدند و در

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراهای را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نشریه  
کمونیست

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند  
که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

سر دبیر این شماره کمونیست سعید یگانه

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

زنده باد سوسیالیسم!